

جایگاه رفیع سنت در دین اسلام

مؤلف:

پوهندوی دکتور عبد الباری «حمیدی»

استاد پوهنځی (دانشکده) شرعیات

پوهنتون (دانشگاه) کابل

این کتاب از سایت کتابخانه عقیده دانلود شده است.

www.aqeedeh.com

book@aqeedeh.com

آدرس ایمیل:

سایت‌های مفید

www.aqeedeh.com

www.nourtv.net

www.islamtxt.com

www.sadaiislam.com

www.ahlesonnat.com

www.islamhouse.com

www.isl.org.uk

www.bidary.net

www.islamtape.com

www.tabesh.net

www.blestfamily.com

www.farsi.sunnionline.us

www.islamworldnews.com

www.sunni-news.net

www.islamage.com

www.mohtadeen.com

www.islamwebpedia.com

www.ijtehadat.com

www.islampp.com

www.islam411.com

www.videofarda.com

www.videofarsi.com

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

فهرست مطالب

مقدمه	۵
مفهوم لغوی و اصطلاحی سنت	۹
الف: معنای لغوی سنت	۹
ب: معنای اصطلاحی سنت و کار برد آن نزد علماء	۱۰
فصل اول: جایگاه سنت در دین	۱۳
* سنت مانند قرآن کریم وحی الهی است	۱۳
* سنت مانند قرآن واجب الاتباع است	۱۳
* وجوب رجوع بطرف سنت و حرمت مخالفت از آن	۱۵
الف: آیاتیکه به وجوب رجوع بطرف سنت دلالت می کند:	۱۵
ب: احادیثی که بر لزوم اتباع از سنت پیامبر ﷺ دلالت می کند:	۱۹
ج: احکام مستنبطه از آیات و احادیث فوق:	۲۲
* سنت مانند قرآن یکی از مراجع حل نزاع	۲۵
* سنت مهمترین وسیله تبیین و توضیح قرآن	۲۷
* نیازمندی های تمام علوم و معارف اسلامی به سنت	۳۲
* بدون در نظر داشت سنت، عمل نمودن بر دین بیرون از امکان است	۳۲
فصل دوم: حجیت خبر واحد در باب عقائد و احکام	۳۷
تمهید	۳۷
دلایل حجیت و صحت استدلال بر خبر واحد در باب عقائد و احکام	۳۹

الف- دلایل قرآنی:.....	۳۹
ب: دلایل حجت بودن خبر آحاد در عقاید و احکام از سنت نبوی:.....	۴۴
دیدگاه علماء و پیشوایان دین پیرامون حجیت خبر واحد.....	۴۹
امام أحمد بن حنبل و خبر واحد:.....	۴۹
امام شافعی و خبر واحد:.....	۵۰
امام مالک و خبر واحد:.....	۵۰
اما ابوحنیفه و خبر واحد:.....	۵۱
نظر امام ابن حزم و داود ظاهری:.....	۵۱
نظر ابن صلاح و برخی علمای دیگر:.....	۵۱
فصل سوم: مسئولیت امت در برابر سنت.....	۵۵
تمهید.....	۵۵
(۱) تفحص و تثبت و یا دقت در برابر سنت.....	۵۷
(۲) بینش درست، و یا فهم و درک سالم از سنت.....	۶۰
معرفی مختصر علم غریب الحدیث:.....	۶۲
معرفی مختصر علم مختلف الحدیث:.....	۶۲
معرفی مختصر علم مختلف الحدیث.....	۶۳
معرفی مختصر علم ناسخ الحدیث و منسوخه.....	۶۳
معرفی مختصر علم اسباب ورود حدیث:.....	۶۴
(۳) ضرورت التزام به سنت، و عمل نمودن بر حکام آن.....	۶۵
(۴) مسئولیت چهارم: تبلیغ سنت.....	۷۰
ضمایم کتاب.....	۷۳
بخش اول: کتب تالیف شده در فن مصطلح حدیث.....	۷۳

بخش دوم: کتب تالیف شده در فن تخریج حدیث.....	۷۶
بخش سوم: کتاب‌های تالیف شده در فن جرح و تعدیل.....	۸۱
بخش چهارم: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال و یا راویان کتاب‌های مخصوص.....	۸۲
الف: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال موطأ:.....	۸۲
ب: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال صحیح بخاری و مسلم، و یا یکی از آن‌ها.....	۸۲
ج: کتب تالیف شده پیرامون شیوخ ائمه سته:.....	۸۳
د: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال کتب سته و مولفات دیگر ایشان:.....	۸۳
هـ: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال مسانید اربعه:.....	۸۴
و: کتب تالیف شده پیرامون شناخت مدلسین:.....	۸۴
نتایج.....	۸۷
مراجع کتاب.....	۸۹

مقدمه

الحمد لله، والصلاة والسلام على رسول الله، وعلى آله وأصحابه ومن والاه، وبعد:

با توجه به اینکه دین مبین اسلام آخرین و در عین حال جامع و کاملترین تمام ادیان سماوی، و هم چنان معلم و پیام‌آور آن محمد ﷺ بهترین و آخرین پیامبر بوده؛ لذا سنت و حدیث شریف، طریقه و روش پر بار ایشان از لحاظ اینکه دومین دستور فکری و عملی مسلمانان و به عبارت دیگر دومین مصدر شریعت اسلامی، و در عین زمان مبین و مفسر مصدر و منبع اول آن که همانا قرآن کریم است بشمار می‌رود، در دین مقدس اسلام از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار می‌باشد.

مقام و جایگاه مخصوص و ویژه سنت نبوی را در دین مبین اسلام بطور اجمال و بسیار کوتاه می‌توان از مقام و جایگاه صاحب آن که محمد ﷺ است درک نمود که خداوند متعال در آیه از آیات قرآن کریم وظیفه و مسئولیت بزرگ پیامبرش را مشخص ساخته، فرموده است:

﴿ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَنْفَكِرُونَ ﴾ [النحل: ٤٤]

«واین قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند.»

پیامبر ﷺ به تاسی از این آیت کریمه و آیات مشابه دیگر در جریان بیست و سه سال نبوت و رسالتش تمام احکام کلی موجود در قرآن را به وسیله گفتار و کردارش واضح، مسایل مبهم آن را روشن، و آیات عام و مطلقش را مخصوص و مقید ساخت.

لذا بطور بسیار فشرده می‌توان گفت که فهم قرآن کریم و سپس عمل نمودن به احکام و دستاویز آن بدون در نظر داشت سنت نبوی امری است بس مشکل و غیر ممکن. و از همین جا است که پیامبر ﷺ در یکی از توصیه‌های تاریخی و ارزشمند خویش که به

مسلمانان نموده بودند، فرمودند: «ترکت فیک آمرین لن تضلوا ما تمسکتیم بها کتاب الله وسنة نبیه»^(۱).

«من در میان شما بعد از خودم دو چیز را گذاشته‌ام که در صورت تمسک و چنگ زدن به آن هرگز گمراه نخواهید شد، یکی آن کتاب الله و دیگرش سنت پیامبرش می‌باشد».

سنت و حدیث پیامبر ﷺ همان طوریکه بهترین و مصون‌ترین وسیله‌ای است برای فهم و درک قرآن و عمل نمودن به احکام آن، و نیز همان طوریکه سنت و طریقه پاک و مبارک پیامبر ﷺ یکی از اسباب عمده نجات از ضلالت و گمراهی به شمار می‌رود، هم چنان یگانه وسیله نجات و بیرون رفت از هرگونه نزاع و اختلاف نیز به شمار می‌رود. چنانچه پیامبر ﷺ در این مورد تصریح نموده فرمودند: «فإنه من یعش منکم فسیری اختلافاً کثیراً، فعلیکم بسنتی وسنة الخلفاء الراشدين، تمسکوا بها وعضوا علیها بالنواجذ، وإیاکم ومحدثات الأمور، فإن کل محدثة بدعة، وکل بدعة ضلالة»^(۲).

«از شما کسیکه بعد از من زنده بماند حتماً اختلافات و دگرگونی‌های زیادی را مشاهده خواهد کرد. پس پیروی نمودن از سنت و روش من، و نیز از سنت و روش خلفای راشدین را بر خود لازم قرار داده و به شدت به آن چنگ بزنید، و از بدعات و امور نو و تازه ایجاد شده پرهیز نمائید؛ زیرا هر چیز نو و تازه ساخته شده (در دین) بدعت به شمار رفته و هر بدعت گمراهی را بدنبال دارد».

با توجه و دقت در آیت و احادیث فوق جایگاه رفیع سنت را در دین مقدس اسلام هرکس می‌تواند بخوبی درک کند.

۱- المؤطأ للإمام مالک بن أنس، ص: ۳۲۱.

۲- صحیح، جامع ترمذی، کتاب العلم، باب ما جاء فی الأخذ بالسنة واجتناب البدع (ص: ۴۳۳، شماره حدیث ۲۶۷۶).

باور بنده هم این است که هر مسلمانیکه به رسالت و پیامبری حضرت محمد ﷺ ایمان داشته و از آن جناب به صفت مقتدا و پیشوای حقیقی اطاعت و پیروی نماید، حتما از اهمیت و ارزش سنتش در دین اسلام نیز آگاهی خوبی خواهد داشت.

اینک با توجه به اهمیت و جایگاه رفیع سنت از یکطرف، تقصیر، بی‌اعتنایی و بی‌تفاوتی عدۀ زیادی از مسلمانان در مورد آن از طرف دیگر خواستم تا رسالۀ کوچکی را زیر عنوان «جایگاه رفیع سنت در دین اسلام و مسؤولیت مسلمان در برابر آن» خدمت برادران مسلمان تقدیم نمایم تا باشد که با مطالعه آن اهمیت سنت را بصورت درست درک نموده، در تعمیم احکام و دساتیر نجات‌بخش پیامبر گرامی اسلام ﷺ اعتنا و توجه خاص خود را مبذول نموده، با رجوع نمودن مجدد و صادقانه به طرف کتاب الله و سنت رسول الله ﷺ که راز و رمز و اقصی و حدت و یک پارچگی مسلمانان است، عزت و شرف سلب شده و از دست رفته خود را دوباره به دست بیاوریم.

دکتور عبد الباری حمیدی

استاد پوهنځی شرعیات

پوهنتون کابل

۱۳۸۹ خورشیدی



مفهوم لغوی و اصطلاحی سنت

الف: معنای لغوی سنت

در مورد معنا و مفهوم لغوی سنت باید گفت که واژه (سنت) در قرآن کریم و سنت مطهر پیامبر اکرم ﷺ و همچنان در لغت و زبان عربی معنای راه و روش، طریقه و شیوه را - خوب باشد آن طریقه یا بد - افاده می‌کند. و جمع آن سنن است^(۱).

چنانچه خداوند متعال در قرآن کریم کفار و منکرین این امت را از پیروی نمودن راه و روش بد پیشینیان که در نهایت و پایان کار هلاک شدند اخطار داده فرموده است:

﴿فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ﴾ [فاطر: ۴۳].

«پس آیا جز سنت [و سرنوشت شوم] پیشینیان را انتظار می‌برند و هرگز برای سنت خدا دگرگونی نخواهی یافت».

همچنان پیامبر ﷺ امت و پیروانش را از تقلید کورکورانه روش‌های نادرست اغیار و دیگران (یهود و نصارا) اخطار داده فرموده است:

«لتتبعن سنن من كان قبلکم»^(۲).

«متوجه باشید که شما (متاسفانه) روش و طریقه‌های مذموم پیشینیان را تعقیب و پیروی می‌کنید!».

طوریکه خواننده گرامی ملاحظه می‌نماید در آیت و حدیث فوق سنت به معنای طریقه و یا شیوه بد استعمال شده است، اما مثال اینکه سنت مطلق روش و طریقه را - خوب باشد آن روش و یا بد - نیز گفته می‌شود این حدیث شریف است که پیامبر ﷺ در آن پیروانش را به پیروی نمودن از روش‌های نیک و پرهیز نمودن از روش‌های بد توصیه

۱- لغت نامه دهخدا (ج ۹ ص: ۱۳۷۷۵).

۲- صحیح البخاری ص: ۱۵۳۵.

نموده فرموده است: «مَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً حَسَنَةً فَلَهُ أَجْرُهَا وَأَجْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا بَعْدَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِ هِمَّ شَيْءٌ وَمَنْ سَنَّ فِي الْإِسْلَامِ سُنَّةً سَيِّئَةً كَانَ عَلَيْهِ وِزْرُهَا وَوِزْرُ مَنْ عَمِلَ بِهَا مِنْ بَعْدِهِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَوْزَارِهِمْ شَيْءٌ»^(۱).

«کسیکه در اسلام راه و روش خوبی را بنا کند پس حتما می‌رسد برایش اجر و پاداش بنا نمودن آن سنت و یا طریقهٔ حسنه و همچنان و پاداش آن کسانیکه بعد از وی به آن طریقه و روش عمل نموده‌اند بدون اینکه از ثواب عمل‌کنندگان چیزی کاسته شود، همچنان برعکس کسیکه در اسلام سنت و طریقهٔ بدی را بنا نهد پس حتما می‌رسد بروی گناه ایجاد و بنا نمودن آن طریقهٔ بد و همچنان گناه کسانیکه بعد از وی به آن طریقه عمل نموده‌اند بدون اینکه از گناه ایشان چیزی کاسته شود».

ب: معنای اصطلاحی سنت و کار برد آن نزد علماء

باتوجه به اصطلاحات مخصوص، اغراض و اهداف نسبتاً متفاوت علمای حدیث، عقاید اسلامی، فقه و اصول فقه، واژه (سنت) نزد هریکی از ایشان کار برده‌های متفاوتی داشته است، چنانچه در اصطلاح علمای حدیث، سنت مرادف و مماثل حدیث بوده و بر قول، فعل، تایید و یا سکوت پیامبر ﷺ یکسان اطلاق می‌گردد.

بلکه نزد ایشان فراتر از (قول، فعل و تقریر) صفات و روش‌های اخلاقی و همچنان صفات و مشخصات خلقی و یا جبلی پیامبر ﷺ را که از آن به عنوان شمائل نیز تعبیر می‌گردد سنت گفته می‌شود.

در اصطلاح فقهای مذاهب مختلف اسلامی که موضوع اساسی مباحث ایشان همانا احکام تکلیفی است سنت مانند فرض، واجب، مستحب و یا مندوب، حرام، مکروه نام حکمی از احکام شرعی است که افراد مکلف را به فعل و انجام دادن آن ترغیب و تشویق

داده می‌شود، طوریکه فاعل و عامل آن مستحق اجر و ثواب گردیده و تارک آن در صورتیکه ترکش مبنی بر عناد و تکبر نباشد مستحق عقوبت الهی نمی‌گردد.

سنت در اصطلاح علمای اصول فقه که موضوع بحث ایشان را همانا شناسایی دلایل شرع تشکیل می‌دهد یکی از دلایل معتبر احکام شرع به شمار رفته و بر هر قول، فعل و یا تقریری که از پیامبر ﷺ به غرض تشریح صادر شده باشد، اطلاق می‌گردد.

اما علمای سلف - مخصوصا علمای بخش عقاید اسلامی - و نیز برخی از فقهای سنت را در مقابل بدعت بکار برده‌اند و براساس این شیوه بینش ایشان افراد و یا گروه‌های که از سنت پیامبر ﷺ، روش و طریقه صحابه، تابعین و تبع تابعین پیروی نمایند (اهل سنت و یا پیروان سنت) محسوب گردیده و کسانی که بر خلاف نقش قدم ایشان رفتار نمایند از جمله (اهل بدعت) محسوب می‌گردد^(۱).

وبرهمن اساس برخی از علمای سلف مانند امام احمد بن حنبل شیبانی و پسرش عبدالله بن امام احمد، امام ابن ابی عاصم، امام ابوبکر خلیل، امام ابوبکر مروزی و علمای دیگر زیر عنوان بارز (السنة)، و یا (أصول السنة)، و یا (أصول اعتقاد أهل السنة) کتاب‌های ارزشمندی را تالیف نموده‌اند.

اما منظور ما از کلمه و یا واژه سنت در اینجا همانا معنای اولی آن است که مرادف حدیث شریف می‌باشد.



۱- السنة، حجیتها ومكانتها فی الإسلام ص: ۱۲-۱۶.

فصل اول:

جایگاه سنت در دین

با توجه به اینکه سنت پیامبر اسلام بعد از قرآن کریم در مرتبه دوم قرار داشته، و سایر اصول و دلایل شرعی متکی بر این دو اصل می‌باشد، از اهمیت و جایگاه خاصی برخوردار بوده که تفصیل آن قرار شرح ذیل است.

* سنت مانند قرآن کریم وحی الهی است

سنت و یا حدیث پیامبر ﷺ، مانند قرآن کریم وحی الهی است. بعبارت دیگر آن دسته گفتار و کردار پیامبر ﷺ که جنبه تشریحی داشته باشد، از وحی نشأت می‌گیرد.

چنانچه خداوند متعال در این مورد تصریح نموده فرموده است: ﴿ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ۚ (۲)

إِنَّ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ ﴿۴﴾ [النجم: ۳ - ۴]

«پیامبر) از سر هوس سخن نمی‌گوید این سخن بجز وحیی که وحی می‌شود نیست.»
در پرتو آیت فوق باور ما مسلمانان بر این است که پیامبر ﷺ این نوع وحی را نیز مانند قرآن کریم به امت ابلاغ نموده‌اند.

* سنت مانند قرآن واجب الاتباع است

با توجه به اینکه سنت نبوی وحی الهی است مانند قرآن کریم واجب الاتباع بوده یک مصدر عمده و اساسی برای ثبوت احکام شرعی بشمار می‌رود؛ بر همین اساس الله تعالی در آیات متعدد قرآن کریم، و با بکار بردن شیوه‌های متعدد به اطاعت و پیروی نمودن از رسولش تاکید فرموده است.

چنانچه در برخی آیات، خداوند متعال اطاعت و پیروی نمودن از رسول و پیامبرش را در ردیف اطاعت خودش ذکر نموده و به آن مسلمانان را مامور ساخته است که چند نمونه آن را می‌توان در اینجا تذکر داد.

خداوند متعال فرموده است: ﴿يَتَّخِذُ الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ [آل عمران: ۵۹].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید.»

و نیز فرموده است: ﴿قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ﴾ [آل عمران: ۲۳].

«بگو خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید پس اگر رویگردان شدند قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد.»

و در برخی آیات دیگر اطاعت و پیروی از رسول را بطور مستقل در ردیف سایر فرایض قرار داده است طوری که فرموده است: ﴿وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ [النور: ۵۶].

«و نماز را برپا کنید و زکات را بدهید و پیامبر [خدا] را فرمان برید تا مورد رحمت قرار گیرید.»

و در یک آیت دیگر تنها اطاعت را هدف و مقصد بعثت رسول معرفی نموده، فرموده است: ﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ﴾ [النساء: ۶۴].

«و ما هیچ پیامبری را نفرستادیم مگر آنکه به توفیق الهی از او اطاعت کنند.»

در برخی آیات دیگر خداوند متعال پیروی نمودن از رسول را بمتابۀ پیروی نمودن از خودش قرار داده است طوری که فرموده است: ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّى فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰].

«هرکس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هرکس رویگردان شود ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم».

* وجوب رجوع بطرف سنت و حرمت مخالفت از آن

با توجه به اینکه سنت پیامبر ﷺ مانند قرآن برای هر مؤمن و مسلمان یک دستور واجب الاتباع می‌باشد؛ لذا رجوع نمودن بطرف آن در تمام امور و مسائل دینی یک امر واجب و حتمی بوده و مخالفت ورزیدن از آن یک عمل حرام و ناجائز می‌باشد. دلیل اینکه رجوع نمودن بطرف سنت در تمام امور و مسائل دینی یک امر واجب و ضروری می‌باشد آیات و احادیث متعددی است که در قرآن کریم و احادیث صحیح و معتبر نبوی و ارد شده که یک تعداد آن آیات و احادیث را در اینجا با ترجمه آن تذکر داده، سپس احکام مستنبطه از آن را خدمت خوانندگان تقدیم می‌نمایم.

الف: آیاتیکه به وجوب رجوع بطرف سنت دلالت می‌کند:

خداوند متعال در سوره‌های مختلف چنین فرموده است:

۱ - ﴿ وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُمْمِنَةٍ إِذَا قَضَىٰ اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ

اللَّهُ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا ﴿٣٦﴾ [الأحزاب: ۳۶].

«و هیچ مرد و زن مؤمنی را نرسد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هرکس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً دچار گمراهی آشکاری گردیده است».

۲ - ﴿ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَقْدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ ﴿١﴾ [الحجرات: ۱].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید در برابر خدا و پیامبرش [در هیچ کاری] پیشی مجوید و از خدا پروا بدارید که خدا شنوای داناست».

۳ - ﴿ قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ ۚ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْكَافِرِينَ ﴿٣٢﴾ [آل عمران: ۳۲].

«بگو خدا و پیامبر [او] را اطاعت کنید پس اگر رویگردان شدند قطعاً خداوند کافران را دوست ندارد».

۴ - ﴿مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا﴾ [النساء: ۸۰].
«هرکس از پیامبر فرمان برد در حقیقت خدا را فرمان برده و هرکس رویگردان شود ما تو را بر ایشان نگهبان نفرستاده‌ایم».

۵ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا﴾ [النساء: ۵۹]. «ای کسانی که ایمان آورده‌اید خدا را اطاعت کنید و پیامبر و اولیای امر خود را [نیز] اطاعت کنید پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک فرجام‌تر است».

۶ - ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنزَعُوا أَنفُسَكُمُوهَا وَأُتَدَّاهِبَ بِرِجَالِكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ﴾ [الأنفال: ۴۶].

«و از خدا و پیامبرش اطاعت کنید و با هم نزاع نکنید که سست شوید و مهابت شما از بین برود و صبر کنید که خدا با شکیبایان است».

۷ - ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَىٰ رَسُولِنَا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ﴾ [المائدة: ۹۲].

«و اطاعت خدا و اطاعت پیامبر کنید و [از گناهان] برحذر باشید پس اگر روی گردانید بدانید که بر عهده پیامبر ما فقط رساندن [پیام] آشکار است».

۸ - ﴿لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا فَمَا يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَن تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«خطاب کردن پیامبر را در میان خود مانند خطاب کردن بعضی از خودتان به بعضی [دیگر] قرار مدهید خدا می‌داند [چه] کسانی از شما دزدانه [از نزد او] می‌گیرند پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».

۹ - ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْيِيكُمْ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ ﴿٢٤﴾﴾ [الأنفال: ٢٤].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید چون خدا و پیامبر شما را به چیزی فرا خوانند که به شما حیات می‌بخشد آنان را اجابت کنید و بدانید که خدا میان آدمی و دلش حایل می‌گردد و هم در نزد او محشور خواهید شد».

۱۰ - ﴿وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ ﴿١٣﴾ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُهِينٌ ﴿١٤﴾﴾ [النساء: ۱۳ - ۱۴].

«و هرکس از خدا و پیامبر او اطاعت کند و ی را به باغ‌هایی درآورد که از زیر [درختان] آن نهرها روان است در آن جاودانه‌اند و این همان کامیابی بزرگ است و هرکس از خدا و پیامبر او نافرمانی کند و از حدود مقرر او تجاوز نماید و ی را در آتشی درآورد که همواره در آن خواهد بود و برای او عذابی خفت‌آور است».

۱۱ - ﴿الَّذِينَ يَرْمُونَ أَنَّهُمْ آمَنُوا بِمَا نُزِّلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَكَّمُوا إِلَى الطَّغُوتِ وَقَدْ أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا بَعِيدًا ﴿٦٠﴾ وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَى اللَّهِ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ الْمُنَافِقِينَ يَصُدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا ﴿٦١﴾﴾ [النساء: ۶۰ - ۶۱].

«آیا ندیده‌ای کسانی را که می‌پندارند به آنچه به سوی تو نازل شده و [به] آنچه پیش از تو نازل گردیده ایمان آورده‌اند [با این همه] می‌خواهند داوری میان خود را به سوی

طاغوت ببرند با آنکه قطعاً فرمان یافته‌اند که بدان کفر ورزند و [لی] شیطان می‌خواهد آنان را به گمراهی دوری دراندازد و چون به ایشان گفته شود به سوی آنچه خدا نازل کرده و به سوی پیامبر [او] بیایید منافقان را می‌بینی که از تو سخت روی برمی‌تابند».

۱۲ - ﴿ إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَنْ يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأُولَئِكَ هُمُ

الْمُفْلِحُونَ ﴿٥١﴾ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشَ اللَّهَ وَيَتَّقْهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ ﴿٥٢﴾ [النور: ۵۱-۵۲].

۱۳ - ﴿ وَمَا آتَاكُمْ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿٧﴾

[الحشر: ۷].

«آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است».

۱۴ - ﴿ لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِمَنْ كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا ﴿٢١﴾

﴿ [الأحزاب: ۲۱].

«قطعاً برای شما در [اقتدا به] رسول خدا سرمشقی نیکوست برای آن کس که به خدا

و روز بازپسین امید دارد و خدا را فراوان یاد می‌کند».

۱۵ - ﴿ وَالنَّجْوَىٰ إِذَا هُوَ ﴿١﴾ مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ ﴿٢﴾ وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ ﴿٣﴾ إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

﴿ [النجم: ۱-۴].

«سوگند به اختر [قرآن] چون فرود می‌آید [که] یار شما نه گمراه شده و نه در نادانی

مانده و از سر هوس سخن نمی‌گوید این سخن بجز و حیی که و حی می‌شود نیست».

﴿ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَنْفَكِرُونَ ﴿٤٤﴾ [النحل: ۴۴].

«و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل

شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند».

و آیات دیگر نیز در این ارتباط وجود دارد.

ب: احادیثی که بر لزوم اتباع از سنت پیامبر ﷺ دلالت می‌کند:

در کتب و مراجع و معتبر حدیث احادیث و روایات زیادی وجود دارد که در تمام امور دین به اتباع و پیروی از سنت تاکید و توصیه می‌کند، که از آن جمله احادیث ذیل را بطور نمونه می‌توان تذکر داد:

۱ - عن أبي هريرة رضی الله عنه أن رسول الله ﷺ قال: «كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبي» قالوا: ومن يأبى؟ قال: «من أطاعني دخل الجنة ومن عصاني فقد أبى»^(۱).

از ابوهریره رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند:

«همه امت من به بهشت می‌روند مگر کسیکه ابا بورزد» صحابه گفتند: یا رسول الله! کیست که ابا بورزد؟ فرمودند: «کسیکه از من اطاعت نماید به بهشت می‌رود، و کسی که از من نافرمانی کند کسی است که از بهشت رفتن ابا ورزیده است».

۲ - عن جابر بن عبد الله رضی الله عنه قال: «جاءت ملائكة إلى النبي صلى الله عليه وسلم وهو نائم، فقال بعضهم: إنه نائم، وقال بعضهم: إن العين نائمة، والقلب يقظان، فقالوا: إن لصاحبكم هذا مثلاً، فأضربوا له مثلاً، فقالوا: مثله كمثل رجل بنى داراً، وجعل فيها مأذبةً وبعث داعياً، فمن أجاب الداعي دخل الدار وأكل من المأذبة، ومن لم يجب الداعي لم يدخل الدار ولم يأكل من المأذبة، فقالوا: أولوها له يفتقها، فقال بعضهم: إنه نائم، وقال بعضهم: إن العين نائمة، والقلب يقظان، فقالوا: فالدار الجنة، والداعي محمد صلى الله عليه وسلم، فمن أطاع محمداً صلى الله عليه وسلم فقد أطاع الله، ومن عصى محمداً صلى الله عليه وسلم فقد عصى الله، ومحمد صلى الله عليه وسلم فرق بين الناس»^(۲).

«از جابر بن عبد الله رضی الله عنه روایت است که گفت: فرشتگانی نزد پیامبر ﷺ در حالی آمدند که ایشان در خواب بودند، بعضی از آن‌ها گفتند که خواب است، و بعضی از آن‌ها

۱- صحیح البخاری، کتاب الاعتصام، باب الاقتداء بسنن رسول الله ﷺ، ص: ۱۵۲۵ (۷۲۸۰).

۲- صحیح البخاری، کتاب الاعتصام، ص: ۱۵۲۵ (۷۲۸۱).

گفتند که: چشمش خواب ولی قلب و دلش بیدار است، سپس با خود گفتند که برای او مثلی است، آن مثل را برایش بیان می‌کنیم، باز بعضی از آن‌ها گفتند که او خواب است، و بعضی از آن‌ها گفتند که چشمش خواب ولی قلبش بیدار است. سپس آن‌ها آن مثل را بیان داشته گفتند: مثل وی مانند کسی است که خانه را بنا نهاده و سفره را در آن گسترده و مردم را دعوت نموده است، کسی که دعوت را پذیرفته باشد، به خانه داخل می‌گردد، و از آن دستر خوان طعام می‌خورد، و کسی که دعوت را نپذیرفته باشد، نه به خانه داخل می‌شود، و نه از آن دستر خوان چیزی می‌خورد.

ملائکه با خود گفتند: تاویل این مثل را بگوئید تا مقصود را بفهمد، باز بعضی از آن‌ها گفتند که خواب است، و بعضی دیگری از آن‌ها گفتند که چشمش خواب و دلش بیدار است.

گفتند: خانه عبارت از بهشت است، و میزبان محمد ﷺ است، کسی که از محمد ﷺ اطاعت نماید در واقع از خداوند اطاعت کرده است، و کسی که از محمد ﷺ نافرمانی کند در واقع نافرمانی خداوند را کرده است، و محمد ﷺ است که بین مردم (مطیع و عاصی) فرق و جدایی آورده است.»

۳ - عن أبي موسى رضي الله عنه عن النبي ﷺ قال: «إنما مثلي ومثل ما بعثني الله به كمثل رجل أتى قوما فقال: يا قوم إني رأيت الجيش بعيني وإني أنا النذير العريان فالنجاء النجاء فأطاعه طائفة من قومه فأدبوا فانطلقوا على مهلهم فنجوا وكذبت طائفة منهم فأصبحوا مكانهم فصبحهم الجيش فأهلكهم واجتاحهم فذلك مثل من أطاعني فاتبع ما جئت به ومثل من عصاني وكذب بما جئت به من الحق»^(۱).

«از ابو موسی رضي الله عنه روایت است که گفت: پیامبر ﷺ فرمودند: «مبعوث شدنم از طرف خداوند مانند کسی است که نزد مردمی می‌آید و می‌گوید: خود لشکر دشمن را به

۱- صحیح البخاری، کتاب الرقاق، باب الانتها عن المعاصی (ص: ۱۳۶۹ شماره حدیث: ۶۴۸۹)..

چشمهای خود دیدم، و من همان بیم دهندهٔ عریانم، پس خود را نجات دهید، پس خود را نجات دهید».

گروهی سخنش را قبول نموده و از اول شب آمادگی می‌گیرند، و خود را نجات می‌دهند، و گروه دیگری او را تکذیب نموده و سخنش را با و ر نمی‌کنند، تا آنکه آن لشکر به سر وقت آنها می‌رسد و آنها را نابود می‌کند».

۴ - عن أبي رافع رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «لا ألفين أحدكم متكئا على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرت به أو نهيت عنه فيقول: لا أدري ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه وإلا فلا»^(۱).
«از ابورافع رضی اللہ عنہ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: من نباید فردی را سراغ داشته باشم که بر تخت خوابش تکیه زده باشد، و در برابر امری از او امر من و یا آنچه که من از آن نهی شده‌ام چنین اظهار نموده بگوید که من از این او امر و نواهی چیزی را نمی‌دانم، تنها آنچه را که در قرآن در یابم پیروی می‌نمایم، و اگر در قرآن نباشد از آن پیروی نمی‌نمایم».

۵ - عن المقدم بن معدي كرب رضی اللہ عنہ قال: قال رسول الله ﷺ: «ألا إني أوتيت القرآن ومثله معه ألا يوشك رجل شبعان على أريكته يقول: عليكم بهذا القرآن فما وجدتم فيه حلالاً فأحلوه وما وجدتم فيه من حرام فحرموه وإن ما حرم رسول الله ﷺ كما حرم الله ﷻ ألا لا يحل لكم الحمار الأهلي ولا كل ذي ناب من السباع ولا لقطه معاهد إلا أن يستغني عنها صاحبها ومن نزل بقوم فعليهم أن يقرؤه^(۲) فإن لم يقرؤه فله أن يعقبهم بمثل قراه»^(۳).

۱- صحیح، سنن الترمذی، کتاب العلم، باب ما نهی عنه أن يقال عند حدیث النبی صلی الله علیه وسلم (ص: ۴۳۱).

۲- یعنی: مهمان بگیرند و یا حق مهمانداری ایشان را ادا نمایند.

۳- حدیث توسط امام احمد، ترمذی و ابوداود با سند صحیح روایت شده است.

۶ - عن أبي هريرة رضي الله عنه قال: قال رسول الله ﷺ: «تركت فيكم شيئين لن تضلوا بعدهم (ما تمسكنم بهما) كتاب الله وستي ولن يتفرقا حتى يردا على الحوض»^(۱).

ج: احکام مستنبطه از آیات و احادیث فوق:

از مجموع آیات و احادیث فوق احکام مهم ذیل را می توان استخراج و استنباط نمود:

۱ - در مابین حکم و فیصله الله متعال و رسول وی هیچ نوع فرق و تفاوتی وجود نداشته و هیچ مؤمنی این حق و اختیار را ندارد که از حکم الله متعال و رسول برگزیده وی مخالفت نماید، و این حقیقت را همچنان باید درک کرد که مخالفت و نافرمانی حکم پیامبر ﷺ بمثابة مخالفت از حکم الله تعالی بوده و سبب ضلالت و گمراهی انسان می گردد.

۲ - طوریکه پیشی گرفتن و یا پیشدستی نمودن از حکم الله متعال جواز ندارد، همچنان پیشی گرفتن و یا پیشدستی نمودن از حکم و فیصله رسول ﷺ نیز جواز ندارد، و ممانعت از پیشدستی کنایه از عدم جواز مخالفت با حکم رسول است، طوریکه امام ابن قیم رحمته الله فرموده است: «لا تقولوا حتی یقول وتأمروا حتی یأمر ولا تفتوا حتی یفتی ولا تقطعوا أمرا حتی یکون هو الذی یحکم فیہ ویمضی»^(۲).

«تا زمانیکه رسول در مورد چیزی سخن نگفته باشد و یا امر نکرده باشد، شما هم در مورد آن نه سخن بگوئید و نه امر کنید، و تا زمانیکه رسول در مورد چیزی فتوا و نظر نداده باشد شما هم از فتوا و نظر دادن خود داری نمائید، و تا زمانیکه پیامبر ﷺ در مورد چیزی بصورت قطعی حکم و فیصله نکرده باشد شما هم فیصله و قضاوت نکنید».

۳ - اطاعت و پیروی رسول عین اطاعت الله تعالی است.

۱- حدیث را امام مالک به شکل مرسل و حاکم به شکل مسند روایت نموده و به صحت آن نیز حکم کرده است.

۲- إعلام الموقعین (۵۸/۱).

- ۴- اعراض و روی گردانیدن از اطاعت رسول خصلت و عمل کفار است.
- ۵- هنگام بروز نزاع و اختلاف در موردی از موارد دینی حتما بطرف الله و رسول وی رجوع نمود، طوریکه امام ابن قیم رحمته الله علیه این موضوع را توضیح بیشتر داده می‌گوید: «الله تعالی در آیه مبارکه به اطاعت خودش و اطاعت از رسولش امر نموده، و فعل یعنی (أطيعوا الرسول) را بخاطر این اعاده کرده نموده است تا معلوم گردد که وجوب اطاعت از رسول یک حکم مستقل بشمار رفته و هر فرد مؤمن مکلف است تا از سنت و فرامین پیامبر صلی الله علیه و آله بدون عرضه نمودن آن به قرآن پیروی نماید؛ زیرا اطاعت و پیروی از امر و فرمان پیامبر صلی الله علیه و آله - در قرآن باشد و یا نباشد- براساس این فرموده پیامبر صلی الله علیه و آله «ألا إني أوتيت الكتاب ومثله ومعه» یک امر واجب و حتمی به شمار می‌رود.
- بر خلاف آن اطاعت و پیروی از اولی الامر و یا اولیای امور که بصورت مطلق و مستقل مشروعیت نداشت؛ لذا در مورد وی فعل را اعاده کرده نشده است تا این حقیقت معلوم گردد که اطاعت از اولی الامر مربوط و منوط بر اطاعت الله و رسول می‌باشد.^(۱)
- سخن اتفاقی و پذیرفته شده دیگر این است که منظور از رد نمودن بطرف الله همانا رد نمودن بطرف کتاب وی و منظور از رد نمودن بطرف رسول همانا رد نمودن بطرف شخص رسول صلی الله علیه و آله در هنگام حیاتش و رد بطرف سنت وی بعد از وفاتش می‌باشد، و این رد از شروط ایمان به حساب می‌رود.
- ۷- برحذر نمودن از مخالفت رسول؛ زیرا مخالفت نمودن از رسول در دنیا و آخرت عواقب بسیار ناگوار و خطرناک دارد.
- ۸- مخالفت از اوامر پیامبر صلی الله علیه و آله در دنیا سبب مبتلا شدن به فتنه‌های گوناگون، و در آخرت سبب عذاب بسیار دردناک می‌گردد.

- ۹- وجوب پذیرفتن خواست و دعوت پیامبر ﷺ و تعمیل اوامر و ی؛ زیرا پذیرفتن دعوت و خواست پیامبر ﷺ سبب زندگی خوب و سعادت‌مند در دنیا و آخرت می‌گردد.
- ۱۰- اطاعت و فرمانبرداری از پیامبر ﷺ سبب داخل شدن در جنت و کامیابی بزرگ گردیده و بر عکس معصیت و نافرمانی پیامبر ﷺ و تجاوز نمودن از حدود تعیین کرده وی سبب داخل شدن در دوزخ و عذاب بسیار ذلت آور می‌گردد.
- ۱۱- یکی از علایم و مشخصات بارز منافقین که در ظاهر ابراز اسلام و مسلمان بودن را نموده و در باطن برخلاف آن رفتار می‌کنند این است، زمانیکه آن‌ها را به پذیرفتن حکم رسول و گردن نهادن به فیصله و سنت وی دعوت کرده شود، آن‌ها این دعوت را نه تنها نمی‌پذیرند بلکه یکسره از آن اعراض و روی گردان می‌شوند.
- ۱۲- اما برخلاف ایشان مؤمنین و اقی را زمانیکه بطرف حکم و فیصله رسول ﷺ فرا خوانده شود آن‌ها بدون کسالت و تعلل به این دعوت لبیک گفته به زبان حال و زبان قال می‌گویند: «سمعنا وأطعنا»، و شکی نیست که آن‌ها بسبب این عمل و برخورد، مستحق هر نوع فلاح و کامیابی و بهشت برین می‌گردند.
- ۱۳- از هر آنچه که رسول ﷺ ما را به آن امر و توصیه نموده است باید از آن پیروی نمائیم و بر عکس از هر آنچه که رسول ما را از آن باز داشته است باز ایستاد شویم.
- ۱۴- اگر ما و اقعا به الله و روز آخرت یقین و باور داشته باشیم پس باید رسول و پیامبر ﷺ را در تمام امور و مسائل دینی خویش بصفه الگو و نمونه بشناسیم.
- ۱۵- گفته‌ها و فرموده‌های رسول ﷺ در مورد آنچه که به دین ارتباط دارد و یا آنچه که از امور غیب و مغیبات به شمار می‌رود که توسط عقل و تجربه قابل درک نمی‌باشد، گفته‌های رسول در مورد همه این‌ها وحی الهی تلقی گردیده که نه در گذشته مورد بطلان قرار گرفته و نه در آینده مورد بطلان قرار خواهد گرفت.
- ۱۶- سنت پیامبر ﷺ در حقیقت بیانگر آن قرآنی است که بر وی نازل گردیده است.

۱۷- با توجه به اینکه قرآن کریم هیچ گاه ما را از سنت بی‌نیاز ساخته نمی‌تواند؛ لذا اطاعت و پیروی از سنت مانند قرآن یک امر واجب بوده و کسیکه خود را از سنت بی‌نیاز تصور نماید باید بداند که از رسول اطاعت و پیروی ننموده بلکه باوی مخالفت ورزیده است، و بسبب این مخالفت از راه راست فاصله گرفته بر خلاف آیات گذشته رفتار نموده است.

۱۸- با توجه به عموم این فرموده پیامبر ﷺ: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ» آنچه را که رسول حرام معرفی نموده مثل همان چیزی است که الله تعالی آن را حرام قرار داده است، و همچنان هر حکمی را که رسول با خود آورده است که در قرآن نباشد، مانند همان حکمی است که در قرآن وجود دارد.

۱۹- نجات از هرگونه انحراف و گمراهی تنها به وسیله تمسک ورزیدن به کتاب الله و سنت رسول وی می‌تواند بدست آید، و این حکم و یا فارمول تاروز قیامت ادامه داشته که به هیچ صورت ایجاد تفرقه و جدایی در مابین این دو وسیله نجات، جواز ندارد.

* سنت مانند قرآن یکی از مراجع حل نزاع

سنت نبوی مانند قرآن کریم یکی از مصادر حل و فصل و نزاع و اختلافات ذات البینی مسلمانان بشمار می‌رود.

طوریکه می‌بینیم خداوند متعال در قرآن کریم مسلمانان را امر و توصیه نموده است تا در هنگام بروز نزاع و اختلاف، حل و فصل امور مورد نزاع خویش را به طرف الله جل جلاله، و رسول برگزیده وی محمد ﷺ رجوع نمایند.

چنانچه در این مورد فرموده است: ﴿فَإِنْ نَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوهُ إِلَى اللَّهِ وَالرَّسُولِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ

بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا ﴿۵۹﴾ [النساء: ۵۹].

«پس هرگاه در امری [دینی] اختلاف نظر یافتید اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید آن را به [کتاب] خدا و [سنت] پیامبر [او] عرضه بدارید این بهتر و نیک فرجام‌تر است».

و منظور از ارجاع و یا برگردانیدن حل اختلاف و خصومات به طرف الله جل جلاله و رسول وی همانا ارجاع و برگردانیدن امور متنازع فیها به طرف کتاب الله (قرآن کریم)، و شخص رسول در وقت حیات و زنده بودن شان، و سنت و احادیث وی بعد از وفات ایشان است.

نکته بسیار مهم دیگری که در این آیت به آن تاکید شده این است که خداوند متعال در این آیت ارجاع حل نزاع در مسائل دینی را بطرف کتاب و سنت نشانه و علامه بارز ایمان قرار داده است، طوریکه فرموده است: ﴿إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^{۵۶}.
«اگر به خدا و روز بازپسین ایمان دارید».

خداوند متعال طوریکه ارجاع امور متنازع فیها را به طرف کتاب الله و سنت رسول الله یکی از تقاضاها و نشانه‌های ایمان قرار داده است، هم چنان برعکس ارجاع نمودن و گوش ندادن به حکم رسول، و مخالفت از حکم و فیصله رسول را در آیات دیگر خلاف تقاضای ایمان قرار داده است.

چنانچه در مورد نفی ایمان از کسانی که به حکم و فیصله رسول قناعت نمی‌نمایند، فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّى يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنْفُسِهِمْ حَرَجًا مِمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا سَلِيمًا﴾^{۵۷} [النساء: ۵۶].

«و لی چنین نیست به پروردگارت قسم که ایمان نمی‌آورند مگر آنکه تو را در مورد آنچه میان آنان مایه اختلاف است داور گردانند سپس از حکمی که کرده‌ای در دل‌هایشان احساس ناراحتی [و تردید] نکنند و کاملاً سر تسلیم فرود آورند».

شکی نیست که این حکم یعنی ارجاع و برگرداندن امور متنازع فیها بطرف کتاب الله، و سنت رسول وی تا روز قیامت ادامه داشته و ساری المفعول می‌باشد، که این در ذات

خود دلیل واضحی است بر اینکه سنت پیامبر ﷺ یکی از مصادر حل و فصل نزاع و اختلافات مسلمانان به شمار می‌رود، و شکی نیست که این نکته بذات خود جای سنت را در دین بخوبی مشخص و واضح می‌سازد.

* سنت مهمترین وسیله تبیین و توضیح قرآن

حدیث پیامبر ﷺ علاوه بر اینکه در ذات خود دومین مرجع احکام شرعی و دینی است که این امر به تنهایی جایگاه سنت را روشن می‌سازد، همچنان از این جهت که مهمترین وسیله تبیین و توضیح مرجع اول احکام اسلامی (قرآن کریم) است، نیز حایز اهمیت فوق العاده می‌باشد.

طوریکه خداوند متعال بیان و توضیح قرآن کریم را یکی از وظایف عمده پیامبر ﷺ قرار داده فرموده است: ﴿وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ [النحل: ۴۴].

«و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی و امید که آنان بیندیشند».

از آنجائیکه پیامبر ﷺ ممثل و اقعی و حقیقی قرآن بود؛ لذا بتاسی از این توصیه پروردگارش برخی آیات مجمل و مشکل قرآن کریم را توضیح نمود، برخی نصوص عام و مطلق قرآن کریم را خاص و مقید ساخت در ضمن برخی احکام جدید و مستقل را که در قرآن دیده نمی‌شد، معرفی نمود فرمود: «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْكِتَابَ وَ مِثْلَهُ مَعَهُ أَلَا يُوشِكُ رَجُلٌ شَبَعَانُ عَلَى أَرِيكَتِهِ يَقُولُ عَلَيْكُمْ بَهَذَا الْقُرْآنِ فَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِ مِنْ حَلَالٍ فَأَحِلُّوهُ وَمَا وَجَدْتُمْ فِيهِ مِنْ حَرَامٍ فَحَرِّمُوهُ أَلَا لَا يَحِلُّ لَكُمْ لَحْمُ الْحِمَارِ الْأَهْلِيِّ وَلَا كُلُّ ذِي نَابٍ مِنَ السَّعِ وَلَا لَقِطَةٌ مُعَاهِدٍ إِلَّا

أَنْ يَسْتَغْنَىٰ عَنْهَا صَاحِبُهَا وَمَنْ نَزَلَ بِقَوْمٍ فَعَلَيْهِمْ أَنْ يَقْرُوهُ فَإِنْ لَمْ يَقْرُوهُ فَلَهُ أَنْ يُعَيِّبَهُمْ بِمِثْلِ قَرَاهُ»^(۱).

«آگاه باشید که به من کتاب (قرآن کریم)، و همچنان مانند آن را که حدیث است نیز داده شده است، آگاه باشید که باگذشت وقت و زمان نه چندان دور مرد شکم سیری بیاید، بر تخت و اریکه‌اش تکیه زده و به شما بگوید: تنها قرآن را با خود داشته باشید و به آن اکتفا کنید، حلال کرده آن را حلال بدانید، و حرام کرده آن را حرام بدانید، آگاه باشید که خوردن خران خانگی برای شما حلال نیست که قرآن کریم از حرام بودن آن یاد آور نشده است، همچنان آگاه باشید که حیوان اشک دار که خاصیت پاره کردن را دارد برای شما حلال نیست، همچنان گرفتن و یا برداشتن مال و متاع گمشده هیچ انسان حتی کافر معاهد و ذمی به شما حلال نیست مگر در صورتیکه صاحبش براساس عدم نیازمندی آن را انداخته باشد...».

با توجه به اهمیت سنت در تبیین و توضیح دین و احکام آن، خداوند متعال در آیات متعدد قرآن کریم کسانی را که از سنت پیامبر ﷺ مخالفت می‌ورزند، مورد تهدید و زجر شدید قرار داده و عمل ایشان را سبب نزول عذاب قرار داده است.

طوریکه یکی از شیوه‌های تهدید آمیز را در سوره حشر ملاحظه می‌کنیم که خداوند متعال فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ ﴿۷﴾ [الحشر: ۷].

«و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیریید و از آنچه شما را باز داشت بازایستید و از خدا پروا بدارید که خدا سخت کیفر است.»

از این آیه کریمه دانسته می‌شود که تخلف از اوامر و نواهی پیامبر ﷺ پیامد بسیار بدی داشته، و شخص تخلف کننده با این عملش خود را هدف عقوبت الهی قرار می‌دهد.

نوعیت این عقوبت و یا عذاب چطور خواهد بود؟ تفصیل آن را خداوند متعال در آیه دیگری چنین بیان نموده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ [النور: ۶۳].

«پس کسانی که از فرمان او تمرد می‌کنند بترسند که مبادا بلایی بدیشان رسد یا به عذابی دردناک گرفتار شوند».

در این آیت طوریکه دیده می‌شود خداوند متعال برای تخلف‌کنندگان از اوامر و احکام پیامبر ﷺ یکی از این دو وعید را تعیین نموده است:
اول: مواجه شدن با فتنه و مصیبت نامعلومی که در نتیجه آن انسان از مسیر هدایت منحرف گردیده، در دامن کفر و پرتگاه ضلالت سقوط می‌کند.

دوم: مواجه شدن به عذاب الیم و درد ناک در دنیا و در آخرت. در دنیا به وسیله قتل، مرض‌های مهلک، و سایر آفات و حوادث تلخ و ناگواری که کفار و سایر گنهگاران بسا اوقات با آن مواجه می‌شوند. و عذاب الیم در آخرت همانا جهنم و آتش دوزخ است.
در یک آیت دیگر خداوند عدم اطاعت از سنت پیامبر را مرادف اطاعت از هوی و هوس قرار داده است، یعنی کسیکه از سنت و روش پیامبر اطاعت و پیروی نکند حتما از هوا و خواهش‌های خود اطاعت و پیروی می‌کند که پیامد بسیار زشت و خطرناکی را در قبال دارد، چنانچه فرموده است:

﴿فَإِنْ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بِغَيْرِ هُدًى مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ﴾ [القصص: ۵۰].

«پس اگر تو را اجابت نکردند بدان که فقط هوس‌های خود را پیروی می‌کنند و کیست گمراه‌تر از آنکه بی‌راهنمایی خدا از هوسش پیروی کند؟ بی‌تردید خدا مردم ستمگر را راهنمایی نمی‌کند».

وهم چنان نتیجه و پیامد زشت و شوم عدم اطاعت از سنت و روش پیامبر را خود پیامبر ﷺ در یک حدیث چنین بیان داشته‌اند:

«کلکم یدخل الجنة إلا من أبی، فقالوا: یا رسول الله! ومن یأبی؟! قال: من أطاعنی دخل الجنة، ومن عصانی فقد أبی»^(۱).

«همه شما داخل بهشت خواهید شد مگر کسیکه از رفتن به بهشت خودش ابا ورزد. اصحاب با لهجه بسیار شگفت انگیز پرسیدند: ای رسول خدا کسی هست که از رفتن به جنت ابا ورزد؟ پیامبر ﷺ فرمودند: کسیکه از من اطاعت کند بهشت خواهد رفت ولی کسیکه نافرمانی مرا کند او از رفتن به بهشت ابا ورزیده است.»

اکنون بخاطر توضیح بیشتر می‌توان دونه نمونه زنده را برای اطاعت از سنت و روش پیامبر ﷺ، و عدم اطاعت از آن که در عصر خود پیامبر ﷺ اتفاق افتاده بود، بطور مثال و نمونه ذکر کرد.

در مورد شتافتن به طاعت پیامبر ﷺ که شیوه هر مسلمان صادق و راستین است حدیثی آمده که پیامبر ﷺ در دست مردی انگشتی طلائی را مشاهده نمود و برایش گفت: «یعمد أحدکم إلی جمرة من نار فیضعها فی یده».

«جای بس تعجب است که فردی از شما اخگر و یا قوغ آتش را عمدا در دستش می‌نهد!».

سپس انگشتی را از دست آن شخص بیرون نموده و دور انداختند. زمانیکه پیامبر ﷺ از مجلس برخاسته رفتند و انگشتی طلائی هم روی زمین افتاده بود افراد و مردمان موجود در صحنه به صاحب انگشتی گفتند: چه می‌شود که انگشتی ات را برداری و از آن مستفید شوی؟ صاحب انگشتی گفت: «والله لا آخذه وقد طرحه رسول الله ﷺ»^(۲).

۱- صحیح البخاری (۶۸۵۸).

۲- صحیح مسلم (۸۶۷).

«قسم به خدا چیزی را که پیامبر ﷺ دور انداخته باشد من هرگز آن را در دستم نخواهم گرفت».

این است نمونه زنده اطاعت از پیامبر ﷺ.

نمونه عدم اطاعت از پیامبر را با پیامد زشت آن در روایت دیگری باید دید. در روایات آمده است که مردی غذا را به دست چپش می خورد. پیامبر ﷺ امر فرمود تا نان را به دست راستش بخورد، اما آن شخص به اساس تکبر و خود خواهی از اجابت و پذیرفتن امر پیامبر ﷺ امتناع ورزیده به دروغ گفت: من نمی توانم.

پیامبر ﷺ از این برخورد وی ناراحت شده در موردش دعای بد نموده فرمود: «لا استطعت» یعنی برای همیشه تو این کار را نتوانی. در همان لحظه دست آن مرد خشک شد و بعد از آن دوباره قادر نشد تا دستش را تا دهانش بالا کند^(۱).

اکنون تفاوتی را که میان این دونفر است می توان درک کرد که یکی به اساس تکبر می گوید من بدست راستم نان و غذا خورده نمی توانم، و دیگری می گوید من هرگز آماده نیستم تا انگشتی را که پیامبر ﷺ انداخته است دوباره بدست خود بگیرم.

• اطاعت و پیروی از پیامبر، و عمل نمودن به سنت ایشان یکی از تقاضاهای کلمه شهادت بشمار می رود.

نقطه مهم دیگر در مورد جایگاه سنت در دین این است که اطاعت و پیروی نمودن از پیامبر ﷺ و عمل نمودن به سنت ایشان یکی از مقتضیات عمده شهادت دادن به رسالت آنجناب است؛ زیرا تقاضای خواندن و گفتن کلمه شهادت «أشهد أن محمداً رسول الله» طوری که علما گفته اند، پنج چیز است:

۱- اطاعت و پیروی نمودن از اوامر و فرامین پیامبر ﷺ.

۲- تصدیق کردن به تمام گفته ها و فرموده های او.

۳- باز ایستادن از همه آن چیزی که پیامبر ﷺ از آن منع فرموده است.

۱- صحیح مسلم (۸۳۸).

۴- محبت داشتن با پیامبر، و یا دوست داشتن پیامبر بیشتر از دوست داشتن هرکس دیگر.

۵- انجام دادن تمام عبادات مطابق روش و طریقه او.

* نیازمندی‌های تمام علوم و معارف اسلامی به سنت

نقطه مهم دیگری که جایگاه سنت را در دین اسلام بارز و مشخص می‌سازد این است که فهم و درک سایر علوم و معارف اسلامی مانند تفسیر، عقاید، فقه، و اصول فقه بدون شناخت و معرفت سنت و یا حدیث امکان پذیر نمی‌باشد، و هر عالم مفسر، متکلم، فقیه و یا اصولی اگر در مورد سنت، انواع و مشخصات آن آگاهی کامل نداشته باشد بسیار زود مرتکب خطا و اشتباه گردیده، دیگران را هم در خطا افکنده از مسیر سالم منحرف می‌گردد.

* بدون در نظر داشت سنت، عمل نمودن بر دین بیرون از امکان است

علاوه بر آنچه گفته شد، هر مسلمان باید بخاطر داشته باشد که به غرض اقامت دین، و عمل نمودن بر احکام و مقررات آن، برگشت و رجوع نمودن بطرف سنت و حدیث یک ضرورت غیر انکارناپذیر تلقی می‌گردد؛ زیرا کسیکه تنها به قرآن کریم اکتفا نماید و چنین گمان داشته باشد که قرآن کریم به تنهایی کفایت می‌کند، پس شیوه و کیفیت ادا کردن نماز، شروط، ارکان و اوقات آن، و همچنان نصاب و مقدار زکات، مفطرات و شکننده‌های روزه را از کجا می‌تواند نماید؟

بر همین اساس پیامبر ﷺ گاهی سنت را مثل قرآن قرار داده، گاهی عمل به سنت را بمتابعت عمل به قرآن قرار داده است. طوریکه در مورد مماثلت سنت با قرآن کریم فرموده است «أَلَا إِنِّي أُوتِيتُ الْقُرْآنَ وَمِثْلَهُ مَعَهُ»^(۱).

«به من قرآن و مثل آن را داده شده است».

۱- سنن ابو داود ص: ۵۰۳.

و در مورد اینکه حرمت ثابت شده با سنت، بمتابۀ حرمت ثابت با قرآن کریم است، فرموده است: «ألا وإن ما حرم رسول الله مثل ما حرم الله»^(۱).

«آنچه را رسول حرام قرار داده مانند همان چیزهای است که خداوند حرام قرار داده است».

پس از روایات فوق این حقیقت را هرکس می‌تواند درک نماید که سنت و یا حدیث در صورتیکه از صحت برخوردار بوده و به ثبوت رسیده باشد، براساس احادیث فوق در وجوب پیروی و اتباع مثل قرآن بوده، عمل کردن مطابق آن، امری است حتمی و ضروری، طوریکه بدون در نظر داشت آن عمل نمودن بر قرآن کریم و احکام آن امر غیر ممکن به نظر می‌رسد.

• تلازم قرآن و سنت با یکدیگر، مانند تلازم «لا إله إلا الله» و «محمد رسول الله» با یکدیگر است:

از لابلای گفته‌های فوق که سنت مانند قرآن وحی الهیست و سنت مانند قرآن واجب الاتباع است، و سنت با قرآن یکجا مصدر دین و تشریح اسلامی است، بدون در نظر داشت سنت عمل نمودن به دین و احکام آن ممکن نیست، و هم چنان سنت وسیله مهم توضیح و تبیین قرآن است، از لابلای تمام گفته‌های فوق این حقیقت معلوم می‌گردد که سنت و قرآن هر دو با یکدیگر طوری تلازم دارند که «لا إله إلا الله» و «محمد رسول الله» با یکدیگر متلازم‌اند. پس کسیکه سنت را نپذیرد، قرآن را نیز نپذیرفته است.

بر همین اساس امام سیوطی رحمته انکار از سنت را کفر قرار داده، گفته است: «من أنکر کون حدیث النبی صلی الله علیه و آله قولاً کان أو فعلاً بشرطه المعروف فی الأصول حجة، کفر و خرج عن دائرة الإسلام و حشر مع اليهود و النصارى...»^(۲).

۱- سنن ابن ماجه، ص: ۱۲.

۲- مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة ص: ۸.

«کسیکه از حجت و دلیل بودن حدیث نبوی اعم از اینکه قولی باشد آن حدیث یا فعلی، انکار ورزد البته بعد از اینکه شرایط و معیارهای پذیرفته شده صحت حدیث در آن موجود باشد، آن شخص به سبب انکار نمودنش از حجت و دلیل بودن سنت کافر گردیده و از دائرة اسلام بیرون می‌گردد و روز قیامت با یهود و نصاری یکجا حشر می‌گردد».

با توجه بر اهمیت، مقام و منزلتی که حدیث در چوکات شریعت اسلامی دارد، پیامبر ﷺ همواره امتش را به حفظ و روایت حدیث و نقل بدون کم و کاست آن ترغیب و تشویق نموده، فرموده‌اند: «نضر الله امرأ سمع مقالتي فوعاها وحفظها ثم أداها كما سمعها».^(۱) «خداوند آن مرد را تر و تازه نگهدارد که به قول و حرف من گوش می‌نهد و سپس آن را حفظ می‌کند و طوریکه شنیده به دیگران می‌رساند».

وهمچنان پیامبر ﷺ بعد از ارائه خطبه تاریخی حجة الوداع مردم و سامعین حاضر در صحنه را به تبلیغ آنچه شنیده‌اند امر نموده، فرمودند: «فليبلغ الشاهد منكم الغائب، فرب مبلغ أوعى من سامع».^(۲)

«اشخاص حاضر در صحنه باید به افراد غایب از صحنه ابلاغ نماید؛ زیرا بسا افرادی که مستقیماً نشنیده‌اند نسبت به کسانی که شنیده‌اند شاید فهمیده‌تر باشند».

این بود نکات چندی پیرامون (سنت و جایگاه رفیع آن در دین اسلام) که در پرتوی آیات و احادیث رسول اکرم ﷺ ارائه گردید، و در این شکی نیست که تمام نکات متذکره ایجاب می‌نماید تا تمام مسلمانان سنت و احادیث به ثبوت رسیده پیامبر اکرم ﷺ را یکی از مراجع عمده شریعت اسلامی تلقی نموده، در مسائل اعتقادی و عملی، فردی و اجتماعی، سیاسی و اقتصادی... از آن پیروی نمایند.

۱- سنن ابو داود ص: ۴۰۴.

۲- صحیح البخاری ص: ۶۷.

اما جای بسیار تاسف این است که برخی‌ها یکتعداد احادیث و روایات صحیح را به دلیل اینکه از جمله احادیث آحاد به شمار می‌رود در برخی مسائل اعتقادی نادیده می‌گیرند؛ لذا در فصل دوم کتاب مناسب میدانم تا در پرتو آیات و احادیث صحیح نبوی، موضوع حجیت احادیث آحاد را نیز به شکل موجز مورد بحث و بررسی قرار دهم تا باشد که در ضمن روشن شدن جایگاه سنت به شکل عموم جایگاه خبر آحاد که اکثریت سنت را تشکیل می‌دهد نیز روشن گردد.

فصل دوم: حجیت خبر واحد در باب عقائد و احکام

تمهید

شکی نیست که منهج و روش پذیرفته شده اسلام در ارتباط با علم و تمام مسائل علمی و دینی - برابر است که آن مسائل به اعتقادات تعلق داشته باشد و یا به احکام فقهی و عملی مسلمانان - منهج و روش اسلام در مورد همه اینها یکسان و یکنواخت است، و آن اینکه هر مسلمان با درک و هشیار در تمام ساحات علمی و دینی باید از دلیل معتبر پیروی نموده و بدور از هرگونه تعصب همواره در جستجوی آن باشد. و هرگاه در موضوعی از موضوعات بحث بر انگیز دلیل معتبر و مسلم که صدق آن موضوع مورد بحث و مناقشه را به اثبات می‌رساند وجود داشته باشد، پس براساس مقوله پذیرفته شده (إذا ورد الأثر بطل النظر) هرگونه رأی و نظر را کنار گذاشته از آن اثر و دلیل پیروی نماید. اما برخلاف حقیقت مسلمة فوق، از گذشته‌های دور تا امروز افراد و گروه‌های را سراغ داریم که براساس نداشتن باور صحیح و درست بر موضوعی از موضوعات اعتقادی که توسط سنت و یا حدیث به ثبوت رسیده است این صدا را با بسیار بیباکی بلند نموده می‌گویند که این حدیث و یا روایت خبر واحد است، و توسط خبر واحد که تنها افاده ظن و گمان را می‌کند، موضوع اعتقادی به اثبات نمی‌رسد. و اینگونه باورها شکی نیست که اثرات بسیار بد و منفی را در قبال دارد که هرکس نمی‌تواند ابعاد و خیم و گسترده آن را درک کند. و آن اثرات ناگوار و خطرناک که در حقیقت می‌توان آن را یک توطئه شوم علیه حدیث و عقاید ثابته توسط حدیث خواند، عبارت‌اند از:

- ۱ - تضعیف و متزلزل ساختن عقاید اسلامی که مسلمانان صدر اسلام و سلف صالح از گذشته‌های دور به آن اعتقاد و باور داشته، و همواره مطابق آن عمل نموده‌اند.
- ۲ - براه انداختن این تبلیغات شوم و زهرآگین که علما و ائمه سلف به شمول صحابه و تابعین و سایر امامان دین همه خبر واحد را در باب اعتقادی نپذیرفته و یکسره آن را رد نموده‌اند.
- ۳ - ایجاد نمودن فاصله در مابین مسلمانان و احادیث نبوی که دومین مصدر و مرجع معتبر دین اسلام است با براه انداختن این ادعا که مسأله عدم استدلال به خبر واحد در باب اعتقادات یک موضوع و یا قاعده پذیرفته شده اصولی است که علمای حدیث حق مداخله و بحث را دران ندارند.
- با توجه به اهمیت موضوع و در عین حال خطرناک بودن نکات فوق، علمای سلف و خلف در مورد حجت و دلیل بودن خبر واحد در باب عقاید و احکام تحقیقات مفید و سودمندی را ارائه نموده‌اند که از آن جمله می‌توان از تحقیقات امام شافعی در کتاب الرسالة (ص: ۳۷۱)، و امام بخاری در صحیح البخاری، و شیخ الإسلام ابن تیمیه در جلد (۱۷/ ۱۸) کتاب مجموع الفتاوی، و علامه ابن قیم در کتاب مختصر الصواعق المرسله (۲/ ۲۳۳ - ۲۴۲)، و علامه ابن حزم در کتاب إحصاء الأحکام (۱/ ۱۱۹) نام برد.
- همچنان برخی علمای معاصر دیگر رساله‌های مستقل و بسیار ارزشمندی را در ارتباط این موضوع تالیف نموده‌اند که از آن جمله می‌توان از کتاب محدث بزرگ عصر علامه ناصر الدین البانی که زیر عنوان: «الحديث حجة بنفسه في العقائد والأحكام» تالیف نموده است، و کتاب دکتور احمد محمود عبد الوهاب شنیطی که زیر عنوان «خبر الواحد و حجیته» تالیف نموده است، و کتاب شیخ عبد الله بن عبد الرحمن بن جبرین که زیر عنوان «أخبار الآحاد في الحديث النبوي - حجیته - مفادها - العمل بموجبها» تالیف نموده، و کتاب «أصل الاعتقاد» از دکتور عمر سلیمان الأشقر، و کتاب شیخ سلیم الهلالی که زیر

عنوان «الأدلة والشواهد على وجوب الأخذ بخبر الواحد في الأحكام والعقائد» تالیف نموده است، نام برد.



دلایل حجیت و صحت استدلال بر خبر واحد در باب عقائد و احکام

الف - دلایل قرآنی:

دلایل حجیت بودن خبر واحد از قرآن کریم در باب عقاید و احکام آیات ذیل‌اند:
 دلیل اول: عام و شامل بودن دلایل وجوب اخذ به سنت و حدیث رسول الله ﷺ
 طوریکه تمام مسائل اعتقادی و عملی هردو را یکسان شامل می‌گردد، و هیچ دلیلی برای
 استثنای عقاید و یا مسائل اعتقادی وجود ندارد.
 طوریکه خداوند متعال در این مورد فرموده است:

﴿وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا﴾ [الأحزاب: ۳۶].

«و هیچ مرد و زن مؤمنی را نسزد که چون خدا و فرستاده‌اش به کاری فرمان دهند
 برای آنان در کارشان اختیاری باشد و هرکس خدا و فرستاده‌اش را نافرمانی کند قطعاً
 دچار گمراهی آشکاری گردیده است.»

و نیز فرموده است: ﴿وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا﴾ [الحشر: ۷].
 «و آنچه را فرستاده [او] به شما داد آن را بگیرید و از آنچه شما را باز داشت
 بازایستید.»

وجه استدلال:

در مورد شیوه استدلال از این دو آیت مبارکه باید گفت که کلمه: (امرا) در آیه اولی که نکره است و در سیاق و روند عموم واقع شده است، و کلمه (ما) در آیه دومی که از صیغه‌های عموم به شمار می‌رود، شامل عقاید و احکام هردو می‌گردند. دلیل دوم: عام و شامل بودن کلمه (دین) که عقاید و احکام همه را یکسان شامل می‌گردد:

در قرآن کریم آیه وجود دارد که بر حجت بودن اخبار آحاد در دین و تمام مسائل دینی می‌کند، و شکی نیست که واژه و کلمه (دین) که در برخی آیات تذکر گردیده است، عقاید و احکام هردو را در بر می‌گیرد.

طوریکه خداوند متعال فرموده است: ﴿ وَمَا كَانُ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾ [التوبة: ۱۲۲].

«و شایسته نیست مؤمنان همگی [برای جهاد] کوچ کنند پس چرا از هر فرقه‌ای از آنان دسته‌ای کوچ نمی‌کنند تا [دسته‌ای بمانند و] در دین آگاهی پیدا کنند و قوم خود را و قتی به سوی آنان بازگشتند بیم‌دهنده باشد که آنان [از کیفر الهی] بترسند». در این آیه مبارکه الله تعالی مؤمنین و مسلمانان را ترغیب و دعوت نموده است تا گروهی از ایشان جهت آموختن دین و فراگرفتن دانش و تفقه دینی نزد پیامبر ﷺ بروند و بعد از فراگرفتن مسایل مهم دین بطرف قوم و مردم خویش عودت نموده، آموخته‌های خوش را به ایشان ابلاغ نمایند.

و در این هیچگونه شکی وجود ندارد که فراگرفتن دانش و تفقه دینی که مسلمانان به آن مامور گردیده‌اند عقاید و احکام همه را یکسان شامل گردیده و مخصوص به احکام فرعی نمی‌باشد، بلکه آنچه که مسلم و پذیرفته شده است این است که معلم و آموزگار

دین و مسائل دینی در قدم اول به تعلیم و آموزش مطالبیکه از همه مهم تر و ضروری تر است آغاز می‌کند، و بدیهی است که آموختن عقاید و فراگرفتن مسائل اعتقادی نسبت به تمام احکام، مهمتر و ضروری تر می‌باشد.

پس این آیه کریمه دیدگاه و بینش آنانی را که اخبار آحاد را در باب عقاید حجت نمیدانند بصراحت رد می‌کند؛ زیرا الله تعالی در آیه مبارکه فوق طوریکه طائفه و گروهی از مسلمانان را به آموختن دین و فراگرفتن تفقه و دانش دینی که عقاید و احکام هردو را شامل می‌گردد، ترغیب نموده است همچنان در عین زمان ایشان را مکلف ساخته است تا بعد از برگشت نمودن از نزد پیامبر ﷺ با ابلاغ نمودن آن دانش و آموخته‌های دینی، قوم و مردم خویش را از مخالفت و بی‌اعتنایی در برابر آنچه که ابلاغ نموده‌اند برحذر نمایند. در مورد کلمه (طائفة) که در آیت تذکر گردیده است باید گفت که کلمه و یا لفظ (طائفة) در لغت و زبان عربی بر یک فرد نیز اطلاق می‌گردد.

چنانچه علامه ابن اثیر جزری در مورد می‌گوید: «الطائفة: الجماعة من الناس وتقع علی الواحد»^(۱).

«طائفة جمعی از مردم را گفته می‌شود که بر یک فرد نیز صدق می‌کند».

امام بخاری رحمته الله در صحیح خود می‌گوید: ویسمی الرجل طائفة لقوله تعالی: ﴿وَإِنْ

طَآئِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا﴾، فلوا اقتتل رجالان دخلا فی معنی الآیة.^(۲)

یعنی یک آدم را نیز می‌توان طائفه گفت؛ زیرا الله تعالی فرموده است:

«و اگر دو طایفه از مؤمنان با هم بجنگند».

پس اگر دو نفر با هم در گیر شوند و بجنگند حکم آیت آن دو را نیز فرا می‌گیرد.

۱- النهایة فی غریب الحدیث (۴/۱۵۳).

۲- صحیح البخاری (ص: ۱۵۲۰).

حافظ ابن حجر عسقلانی شارح مشهور صحیح البخاری می‌نویسد: «إن لفظ طائفة يتناول الواحد فما فوقه ولا يختص بعدد معين، وهو منقول عن ابن عباس وغيره كالنخعي ومجاهد...»^(۱).

یعنی لفظ (طائفة) یک فرد و بالاتر از یک فرد را در بر می‌گیرد، و مخصوص عدد معین و خاصی نمی‌باشد، و این نظر از ابن عباس و غیر او مانند امام ابراهیم نخعی و مجاهد نیز نقل شده است.

پس نتیجه و ثمره گفته‌های فوق این است که اگر توسط اخبار آحاد در باب عقائد و احکام هردو حجت الهی و شرعی بر مردم حجت قائم نمی‌گردید، هیچ وقت الله تعالی گروهی از مسلمانان را که حد اقل یک فرد را نیز شامل می‌گردد بر خروج و فراگرفتن دانش و تفقه دینی و سپس تبلیغ و رسانیدن آن تشویق و توصیه نمی‌کرد. پس از اینجا معلوم گردید که علم توسط خبر واحد نیز حاصل می‌گردد.

نکته مهم دیگری که مفهوم فوق را تاکید بیشتر می‌نماید این است که خداوند متعال با این فرموده‌اش (لعلهم یحذرون) احتیاط و حذر نمودن را بر انذار آن طائفه مرتب نموده است، پس از این تعلیل الهی این حقیقت نیز واضح و معلوم می‌گردد که توسط انذار طائفه و گروهی از مؤمنین که یکفرد را نیز شامل می‌شود، علم و یقین برای مخاطب حاصل می‌گردد.

پس بصراحت کامل می‌توان گفت که آیه کریمه فوق حجت بودن خبر واحد را در باب عقائد و احکام هردو یکسان به اثبات می‌رساند.

دلیل سوم: ممانعت از پیروی نمودن آنچه که فاقد دلیل باشد:

خداوند متعال فرموده است: ﴿وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ﴾ [الإسراء: ۳۶].

«و چیزی را که بدان علم نداری دنبال مکن».

یعنی از آنچه که در مورد آن علم و باور کامل نداری، نه پیروی کن و نه مطابق آن رفتار و عمل کن، و همه میدانند که مسلمانان از زمان اصحاب رضوان الله علیهم تا امروز از اخبار و روایات احاد نه تنها پیروی نمودند بلکه مطابق آن عمل نموده و به وسیله آن حتی امور غیبی و مسائل اعتقادی، مانند: مسائل مربوط به آغاز خلقت، علایم قیامت و صفات الله تعالی را نیز به اثبات رسانیدند، اگر اخبار و روایات احاد - طویکه برخی‌ها ادعا می‌نمایند - افاده علم را نمی‌کرد و مثبت مسائل اعتقادی نمی‌بود، پس لازم آن این می‌شد که علمای سلف اعم از صحابه، تابعین و تبع و تابعین بر خلاف آیه کریمه رفتار نموده از آنچه که علم نداشتند، پیروی نمودند^(۱)، و شکی نیست که جرأت اظهار این سخن را در مورد ایشان شاید هیچ مسلمانی نداشته باشد.

دلیل چهارم: توصیه به پذیرفتن سخن شخص عادل بدون ضرورت به دقت و تثبت:

خداوند متعال در این مورد فرموده است: ﴿يَكْفُرُ بِهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذْ جَاءَهُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا﴾

[الحجرات: ۶].

«ای کسانی که ایمان آورده‌اید اگر فاسقی برایتان خبری آورد نیک و ارسی کنید».

از مفهوم شرط و صفت ﴿إِنْ جَاءَكَ فَاسِقٌ خَبْرًا﴾ که دلیل خطاب نامیده می‌شود معلوم می‌گردد که اگر شخص عادل و غیر فاسق در مورد چیزی معلومات دهد و یا از چیزی خبر دهد، پس باید سخن او را بدون در نظر داشت تثبت و بررسی در تمام امور که عقاید و احکام را نیز در بر می‌گیرد باید پذیرفت، و با خبر دادن آن شخص عادل و غیر فاسق حجت الهی بر خلق و مخاطب قائم می‌گردد.

دلیل بارز و واضح صحت این استدلال تعامل صحابه و سایر علمای سلف است که همواره سخن، فرمان و یا عملکرد رسول الله ﷺ را با جملاتی، مانند: «قال رسول الله ﷺ»

۱- مختصر الصواعق المرسله از امام ابن قیم (۳۹۶/۲).

کذا، فعل رسول الله ﷺ کذا، وأمر بكذا، ونهى عن كذا» به یکدیگر ابلاغ نمودند، و جانب مقابل بدون شک و تردید آن خبر و فرموده پیامبر ﷺ را می‌پذیرفت.

این بود آیات چندی در مورد صحت استدلال بر خبر واحد در باب احکام و عقاید که با توضیح و جه استدلال بیان گردید، و علاوه بر آیات ذکر گردیده آیات دیگری نیز وجود دارد که در کتب و رساله‌های که در این مورد تالیف گردیده است با تفصیل و توضیح بیشتر بیان گردیده است.

ب: دلایل حجت بودن خبر آحاد در عقاید و احکام از سنت نبوی:

آنچه که از آیات مبارکه فوق به اثبات رسید، از احادیث و روایات صحیح و معتبر نیز ثابت می‌گردد، و آن اینکه سنت قولی و فعلی پیامبر ﷺ، و همچنان روش عملی صحابه این حقیقت را به اثبات می‌رساند که اخبار آحاد در باب عقاید و احکام یکی از دلایل معتبر شرعی بشمار می‌رود که برخی از آن احادیث را خدمت علاقمندان و خوانندگان تقدیم میدارم.

۱ - پیامبر ﷺ در یک حدیث متواتر به استماع و گوش دادن، حفظ و روایت مقوله هایش ترغیب و توصیه نموده فرمودند: «نضر الله امرأ سمع مقالتي فوعاها وحفظها وبلغها...»^(۱)

«الله تعالی همیشه شاد و تازه نگهدارد مردی را که به سخن‌ها و گفته‌های من گوش نهاد، سپس معنای آن را بخوبی درک کرد و حفظ کرد و به دیگران نیز ابلاغ نمود».

در این حدیث شریف طوری که گفته شد پیامبر ﷺ به استماع و گوش دادن به مقوله و روایاتش، و همچنان حفظ و ادای آن به دیگران توصیه و ترغیب نموده‌اند، و در این شکی نیست که مقالات و سخنان ارزشمند پیامبر ﷺ عقاید و احکام هردو را یکسان شامل می‌گردد، پس این توصیه و دعای نیک و ارزشمند پیامبر ﷺ که در قدم اول متوجه فرد غیر

۱- صحیح، سنن الترمذی، کتاب العلم، باب ما جاء في الحث على تبليغ الساع، ص: ۴۳۰ (۲۶۵۸).

مشخص (امرؤا) شده است دلیل است بر اینکه توسط ابلاغ یک فرد نیز حجت قائم می‌گردد، و این مفهوم و برداشت را تعامل پیامبر ﷺ هم تأیید می‌کند طوریکه ایشان سفرا و نمایندگان خود را بطرف ملوک و رؤسای مختلف می‌فرستادند، و با فرستادن ایشان حجت الهی قائم می‌گردید.

۲- امام بخاری رحمته الله در صحیح البخاری که به اتفاق جمهور علمای اهل سنت و تمام مسلمانان صحیح‌ترین کتاب بعد از کتاب الله به شمار می‌رود، باب مطولی را در مورد صحت استدلال به خبر واحد وضع نموده فرموده است:

«باب ما جاء في إجازة خبر الواحد الصدوق في الأذان و الصلاة و الصوم و الفرائض و الأحكام و قول الله تعالى: ﴿ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾ (۱۲۲) و يسمى الرجل طائفة لقوله تعالى: ﴿ وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا ﴾ فلو اقتتل رجلان دخلا في معنى الآية وقوله تعالى: ﴿ إِن جَاءَكَ فَاسِقُ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَانصت لَهُ لَعَلَّ يَأْتِيَنَّكَ أَمْرَةٌ كَأْتِيَ النَّبِيَ إِسْرَائِيلَ ﴾ (۱۲۳) و كيف بعث النبي ﷺ أمراء واحدا بعد واحد فإن سها أحد منهم رد إلى السنة»^(۱).

«یعنی باب در بیان مجاز بودن استدلال به خبر و روایت فرد واحد که از خاصیت صدق و راستی بر خوردار بوده باشد در باب‌های چون: اذان، نماز، روزه، و سایر فرائض و احکام، و در مورد این آیه مبارکه که خداوند متعال فرموده است: ﴿ فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ ﴾ (۱۲۲) و فرد واحد را نیز می‌توان طائفه نامید، طوریکه خداوند متعال فرموده است: ﴿ وَإِن طَائِفَتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ اقْتَتَلُوا ﴾ پس اگر دو نفر هم بایکدیگر به جنگ بر خیزند مشمول حکم آیه فوق می‌گردند و همچنان باب در بیان این آیه مبارکه که خداوند متعال فرموده است: ﴿ إِن جَاءَكَ فَاسِقُ بَنِي إِسْرَائِيلَ فَانصت لَهُ لَعَلَّ يَأْتِيَنَّكَ أَمْرَةٌ كَأْتِيَ النَّبِيَ إِسْرَائِيلَ ﴾ (۱۲۳) و

۱- صحیح البخاری، کتاب أخبار الآحاد، باب ما جاء في إجازة الخبر الواحد الصدوق (ص: ۱۵۲۰).

جَاءَ كُرَافِيسُقُ بِنَبِيٍّ فَتَبَيَّنُوا ﴿١﴾ و همچنان در مورد چگونگی فرستادن پیامبر ﷺ امراء و نمایندگان خود را طوریکه ایشان یکی را بعد از دیگری را بطرف رؤساء و زمامداران وقت می فرستاد، و اگر یکنفر مرتکب سهو و اشتباه می گردید بطرف سنت بر گردانده می شد.» سپس امام بخاری رحمته در تحت باب فوق بخاطر توضیح مطالب ترجمه الباب و مجاز بودن استدلال به خبر واحد و عمل نمودن به آن روایات و احادیث متعددی را ذکر نموده است که برخی از آن روایات قرار ذیل اند:

۳ - عن مالك بن الحويرث قال: أتينا النبي ﷺ ونحن شببة متقاربون فأقمنا عنده نحوا من عشرين ليلة وكان رسول الله ﷺ رحيما رفيقا فلما ظن أنا قد اشتهينا أهلنا أو قد اشتقنا سألنا عمن تركنا بعدنا فأخبرناه قال: «ارجعوا إلى أهليكم فأقيموا فيهم وعلموهم ومروهم وصلوا كما رأيتموني أصلي»^(۱).

«مالك بن الحويرث رضی داستان آمدنش را نزد پیامبر ﷺ بیان کرده می گوید: ما جمعی از جوانانیکه در عمر از یکدیگر تفاوت اندک داشتیم نزد پیامبر ﷺ آمدیم و تقریبا بیست شب را نزد ایشان سپری نمودیم، پیامبر ﷺ چونکه یک شخص بسیار مهربان و نردم دل بودند؛ لذا زمانیکه درک کردند که ما شوق و علاقه برگشت به فامیل های خود را داریم از ما در مورد فامیل و بازماندگان مان سوال نمودند و ما هم در مورد معلومات دادیم، پیامبر ﷺ بعد از کسب معلومات و اجازه برگشت ما را توصیه نموده فرمودند: بطرف فامیل هایتان عودت نموده و در مابین ایشان اقامت نمائید، همچنان ایشان را آموزش دهید و توصیه نمائید، و همان طوریکه مرا دیدید نماز می خوانم شما هم به همان کیفیت و شیوه نماز بخوانید.»

طوریکه در حدیث شریف تذکر گردید پیامبر ﷺ هر فردی از آن دسته جوانان را امر فرمود تا افراد فامیل و خانواده خویش را تعلیم و آموزش دهند، و در این شکی نیست که

۱- صحیح البخاری (ص: ۱۵۲۰ شماره حدیث: ۷۲۴۶).

تعلیم و آموزش موضوعات و مسائل عقیده را نیز در بر می‌گیرد بلکه مسایل اعتقادی در رأس تمام موضوعات تعلیمی قرار دارد، پس اگر خبر واحد در باب اعتقاد حجت و دلیل نباشد این امر پیامبر ﷺ مفهوم خود را از دست می‌دهد.

۴- از انس بن مالک رضی الله عنه روایت شده است که مردمان یمن نزد رسول الله ﷺ آمدند و از ایشان تقاضا نمودند تا فردی را جهت تعلیم و آموزش اسلام و احکام آن بفرستند. همان بود که پیامبر ﷺ دست ابو عبیده رضی الله عنه در دست خود گرفته فرمودند:

«هذا أمين هذه الأمة»^(۱).

«این شخص را که امانت دارترین امت است می‌فرستم».

و در روایت حدیثی رضی الله عنه آمده است که پیامبر ﷺ به مردم نجران گفتند: «لأبعثن إليكم رجلا أميناً حق أمين». فاستشرف لها الناس فبعث أبا عبيدة بن الجراح»^(۲).

«نزد شما مرد و اقعا امانت داری می‌فرستم، مردم با دقت متوجه این سخن پیامبر ﷺ شدند، همان بود که ابو عبیده رضی الله عنه را به ایشان معرفی نموده فرستادند».

اگر خبر واحد حجت نمی‌شد پیامبر ﷺ هیچ وقت ابو عبیده رضی الله عنه را به تنهایی نمی‌فرستاد. همچنان پیامبر ﷺ برخی از یاران دیگر خود مانند علی بن ابی طالب، معاذ بن جبل، ابوموسی اشعری، و غیره را به مناطق مختلف فرستادند طوری که احادیث و روایات ایشان در صحیحین و سایر کتب حدیث آمده است. و در این شکی نیست که اصحاب نامبرده در پهلوی اینکه سایر احکام را به مردم تعلیم و تلقین می‌نمودند همچنان مسایل اعتقادی را نیز تلقین و تعلیم می‌نمودند. پس اگر با فرستادن ایشان حجت بر مردم قائم نمی‌شد فرستادن یک نفر به عنوان معلم و آموزگار کار عبث و بیهوده تلقی می‌گردید که پیامبر ﷺ از همچو عمل پاک و منزّه می‌باشد.

۱- صحیح مسلم، و امام بخاری با اندکی اختصار روایت نموده است.

۲ صحیح البخاری، کتاب أخبار الآحاد، ص: ۱۵۲۱ (۷۲۵۴).

۵- عن عبد الله بن عمر قال: بينا الناس بقاء في صلاة الصبح إذ جاءهم آت فقال إن رسول الله ﷺ قد أنزل عليه الليلة قرآن وقد أمر أن يستقبل الكعبة فاستقبلوها وكانت وجوههم إلى الشام فاستداروا إلى الكعبة^(۱).

«از عبد الله بن عمر رضی اللہ عنہ روایت است که می‌گوید: زمانیکه مردم و نماز گزاران در قبا در نماز صبح قرار داشتند که شخصی نزد ایشان آمد و گفت: امشب بر رسول الله ﷺ وحی قرآنی نازل گردید که دران به استقبال و روی نمودن بطرف کعبه مأمور شدند مردم قبا که روی های شان بطرف شام بود همزمان با راپور یکنفر در جریان نماز بطرف کعبه برگشتند.»

این روایت نص صریح است بر اینکه اصحاب و یاران پیامبر ﷺ خبر واحد را در مورد منسوخ شدن روی نمودن بطرف بیت المقدس که به وجوب آن قبلا معتقد بودند، پذیرفتند، اگر خبر واحد نزد ایشان حجت و دلیل معتبر نمی‌بود هرگز بسبب آن از آنچه که به آن اعتقاد داشتند، منصرف نمی‌شدند.

۶ - عن سعيد بن جبیر قال: قلت لابن عباس: إن نوحا البکالی يزعم أن موسى صاحب الخضر ليس موسى نبي إسرائيل فقال ابن عباس: كذب عدو الله أخبرني أبي بن كعب قال: خطبنا رسول الله ثم ذكر حديث موسى والخضر بشيء يدل على أن موسى عليه السلام صاحب الخضر^(۲).

«سعيد بن جبیر می‌گوید: من از عبد الله بن عباس رضی اللہ عنہ سوال نموده گفتم: نوح بکالی به زعم خود در مورد موسی نامی که با خضر یکجا سفر کرد چنین ادعا را می‌کند که گویا او موسی بنی اسرائیل نبود! ابن عباس رضی اللہ عنہ در جواب این پرسش سعید بن جبیر گفت: دشمن خدا دروغ گفته است (اشتباه نموده است)؛ زیرا ابی بن کعب برایم گفت: رسول الله ﷺ در جریان خطبه که به ما ایراد فرمودند از موسی و خضر علیهما

۱ صحیح البخاری، کتاب أخبار الأحاد، ص: ۱۵۲۱ (۷۲۵۱).

۲ صحیح البخاری، کتاب العلم، باب ما يستحب للعالم إذا سئل . . . ص: ۳۱ (۱۲۱).

السلام یاد آور شدند، و از آنچه در مورد ایشان اظهار داشتند معلوم می‌گردد که موسای که با خضر سفر کرد همان موسی بنی اسرائیل بود». طوری که دیده می‌شود عبد الله بن عباس رضی الله عنه با و صف تقوی و پرهیزگاری، احتیاط و دقتش روایت ابی بن کعب را در مورد جریان موسی و خضر نه تنها می‌پذیرد بلکه براساس آن نظر نوف بکالی را بشدت رد می‌نماید. این بود برخی احادیث و روایاتی که صحت استدلال بر خبر واحد را تایید می‌کند.



دیدگاه علماء و پیشوایان دین پیرامون حجیت خبر واحد

به تاسی از آیات و روایات فوق تعامل علما و دانشمندان معتبر در مورد اخبار آحاد چنین بوده است که آن‌ها روایات و احادیث آحاد را بدون استثنا در باب عقاید و احکام می‌پذیرفتند که چند نمونه تعامل ایشان را خدمت خوانندگان و پژوهشگران تقدیم می‌نمایم.

امام أحمد بن حنبل و خبر واحد:

از امام احمد بن حنبل رحمته الله در مورد احادیث رؤیت الله تعالی چنین نقل شده که گفته است: «نؤمن بها ونعلم أنها حق نقطع علی العلم بها»^(۱).

«ما به رؤیت باری تعالی و حق بودن آن ایمان و باور داریم و به معلوم بودن آن نیز یقین کامل داریم».

همچنان امام در کتاب رد بر زنادقه و جهمیه اش با تمسک نمودن به احادیث آحاد نظر مخالفین رؤیت باری تعالی را رد نموده است.^(۲)

۱- المسودة لآل تیمیه، ص: ۲۴۲.

۲- أصل الاعتقاد ص: ۱۶.

واین نظر امام احمد را جمعی از محققین مانند: علامه ابن تیمیه، علامه ابن قیم، سفارینی، ابن حزم و شوکانی نقل نموده‌اند.^(۱)

امام شافعی و خبر واحد:

امام ابن قیم در الصواعق المرسله می‌گوید: وقد صرح الشافعي في كتبه بأن خبر الواحد يفيد العلم، ونص على ذلك صريحاً في كتاب اختلاف مالك، ونصره في الرسالة المصرية^(۲).
«امام شافعی در کتاب‌های خود بصراحت تذکر داده که خبر واحد افاده علم را می‌کند، چنانچه این مطلب را در کتاب اختلاف مالک بصراحت بیان داشته و در رساله مصریه‌اش نیز آن را تایید بیشتر نموده است.»^(۳)

امام مالک و خبر واحد:

علامه ابن حزم و ابن قیم و دیگران در کتاب‌های خویش از فقیه مالکی ابن خوین منداد نقل قول نموده‌اند که او در کتاب اصول فقه خود از مالک نقل قول نموده است که خبر واحد نزد وی افاده علم را می‌کند.^(۴)



۱- أصل الاعتقاد، ص: ۱۷.

۲- الصواعق المرسله (۴۷۶/۲).

۳- الصواعق المرسله (۴۷۶/۲).

۴- الصواعق المرسله (۲۷۵/۲)، والإحكام في أصول الأحكام (۱۰۷/۱).

اما ابوحنیفه و خبر واحد:

در مورد دیدگاه امام ابوحنیفه پیرامون خبر واحد نص صریحی را سراغ نداریم اما شیخ محمد ابوزهره گفته است: «والحدیث المشهور یفید عند أبي حنيفة وأصحابه العلم یقین، ولكن دون العلم بالتواتر وهو قد یزاد به علی القرآن عندهم»^(۱).

یعنی حدیث مشهور - که نوعی از خبر واحد به شمار می‌رود - نزد امام ابوحنیفه و یارانش افاده علم یقینی و قطعی را می‌کند اما مرتبه این علم از علمیکه توسط حدیث متواتر حاصل می‌گردد پائین‌تر و کم‌تر است، و توسط حدیث مشهور می‌توان زیادت را بر نص قرآن قبول کرد.

نظر امام ابن حزم و داود ظاهری:

نظر امام ابن حزم و داود ظاهری رحمهما الله که از پیروان مذاهب ائمه اربعه بشمار نمی‌روند این است که خبر و روایت آن راوی که از خصوصیت عدالت بر خوردار بوده باشد، و از مانند خود تا رسول الله ﷺ حدیثی را روایت کند، روایت همچو شخص قابل قبول بوده و افاده علم و عمل هر دو را می‌کند^(۲).

نظر ابن صلاح و برخی علمای دیگر:

امام ابن الصلاح و برخی علمای دیگر مانند: حافظ ابن کثیر، ابن حجر عسقلانی، امام سیوطی و دیگران این است که اگر خبر واحد حامل برخی قراین باشد مانند موجودیت

۱- أصول فقه ص: ۱۰۸.

۲- إحصاء الأحكام (۱۰۷/۱).

آن خبر در صحیحین و یا یکی از آنها، و یا اینکه حدیث مورد پذیرش تمام علما قرار گرفته باشد، پس همچو روایت افاده علم و یقین را می‌کند.^(۱)

عدم پذیرفتن اخبار آحاد در باب عقاید موجب رد تعداد زیادی از مسائل اعتقادی می‌گردد:

انکار از حجیت خبر واحد در باب عقاید سبب رد برخی از مسائل اعتقادی می‌گردد، طوریکه برخی از گروه‌های که خبر واحد را رد نموده‌اند، از آن مسائل اعتقادی ذیل انکار نموده‌اند:

۱- نبوت و پیامبری آدم علیه السلام و سایر پیامبرانی که نبوت ایشان در قرآن بصراحت ذکر نشده است.

۲- افضلیت پیامبر ﷺ نسبت به سایر پیامبران.

۳- ثبوت و اختصاص شفاعت عظمی برای رسول اکرم محمد ﷺ.

۴- شفاعت پیامبر ﷺ در حق مرتکبین کبائر این امت.

۵- غیر از قرآن سایر معجزاتی که به پیامبر ﷺ نسبت کرده شده است که تفصیلات شق شدن قمر و مهتاب را نیز شامل می‌گردد.

۶- صفات بدنی و برخی مشخصات اخلاقی پیامبر ﷺ.

۷- احادیث و روایاتی که در مورد آغاز خلقت و پیدایش، صفات ملائک، صفات جن‌ها، جنت و دوزخ و مخلوق بودن آنها، و از جنت آمدن سنگ حجر الاسود آمده است.

۸- آن دسته خصوصیات و مشخصاتی که امام سیوطی در کتاب الخصائص الکبری خود در مورد پیامبر ﷺ جمع آوری نموده است، مانند داخل شدن ایشان در جنت و مشاهده نمودن باشندگان آن و مسلمان شدن قرین جنی ایشان.

۱- التقیید والإيضاح ص: ۴۱، مختصر علوم الحدیث، ص: ۳۵، تدریب الراوی (۱/۱۳۴)، شرح نخبه

الفکر ص: ۷-۸.

- ۹- باور نمودن به بهشتی بودن عشره مبشره.
- ۱۰- باور و ایمان داشتن به سوال منکر و نکیر در قبر.
- ۱۱- ایمان و باور به عذاب قبر.
- ۱۲- ایمان و باور به فشار و تنگ شدن قبر.
- ۱۳- ایمان و باور به میزان و ترازوی دارای دو پله می باشد.
- ۱۴- ایمان و باور به پل صراط.
- ۱۵- ایمان و باور به حوض پیامبر ﷺ و اینکه هرکس از آن بنوشد هرگز تشنه نمی شود.
- ۱۶- داخل شدن هفتاد هزار فرد این امت در بهشت بدون حساب و کتاب.
- ۱۷- سوال پیامبران در محشر از انجام تبلیغ.
- ۱۸- ایمان و باور به تمام آنچه که در مورد صفت قیامت، حشر و نشر آمده است.
- ۱۹- ایمان و باور به قضا و قدر و اینکه سعادت و شقاوت، رزق و اجل هر انسان مقدر و ثبت می باشد.
- ۲۰- ایمان و باور به قلمیکه همه چیز توسط آن نوشته شده است.
- ۲۱- ایمان و باور به عرش و کرسی به شکل حقیقی آن.
- ۲۲- ایمان و باور به اینکه مرتکبین گناهان کبیره همیشه در دوزخ نمی ماند.
- ۲۳- ایمان و باور به اینکه ارواح شهدا به شکل پرنندگان بزرگ در جنت پرواز می کنند.
- ۲۴- ایمان به اینکه الله تعالی بر زمین خوردن اجساد انبیا را حرام قرار داده است.
- ۲۵- ایمان به وجود ملائک و فرشتگانیکه در زمین سیاحت، و رفت و آمد می کنند و درود مردم را به پیامبر ﷺ ابلاغ می نمایند.
- ۲۶- ایمان به مجموع علامات قیامت، مانند: ظهور مهدی، نزول عیسی علیه السلام، خروج دجال و دابة الأرض و سایر علامات دیگر که در احادیث صحیح تذکر رفته است.

۲۷- حدیث متفرق شدن امت به ۷۳ فرقه و گروه، و اینکه تمام گروه‌ها راهی دوزخ می‌شوند مگر یک گروه و آن همان گروهی است که اعتقاد و عمل ایشان مانند اعتقاد و عبادت اصحاب باشد.

۲۹- ایمان و باور به تمام اسمای حسنی و صفات برتر خداوند متعال، براساس آن احادیث و روایات صحیح و معتبریکه آن اسماء و صفات را به اثبات می‌رساند، مانند: نام‌های چون: العلی، القدیر، و صفات فوقیت، نزول و غیره.

۳۰- ایمان به عروج و بالا رفتن پیامبر ﷺ بطرف آسمان و ملاً أعلی، و مشاهده نمودن آیات بس بزرگ.

این‌ها اند برخی از اعتقادات صحیح و باورهای درست اسلامی که توسط احادیث و یا مشهور به اثبات رسیده و مورد پذیرش و قبول امت اسلامی قرار گرفته است. پس اگر احادیث آحاد را به علت اینکه افاده ظن و گمان را می‌کند رد کرده شود پس پذیرفتن مسائل و باورهای اعتقادی فوق زیر سوال می‌رود^(۱).



فصل سوم: مسئولیت امت در برابر سنت

تمهید

با تاسف فراوان باید گفت که در عصر حاضر برخی افراد و یا گروه‌ها، با و صف اینکه خود را بخشی از این امت، و یا منسوب به این امت می‌دانند، اما آگاهانه و یا نا آگاهانه در مورد دومین منبع تشریح اسلامی که همانا سنت نبوی و حدیث مطهر پیامبر ﷺ است، مرتکب یک سلسله تقصیرات و یا اشتباهاتی می‌شوند که آثار و پیامدهای آن خیلی‌ها تلخ و ناگوار و هم چنان بس خطرناک می‌باشد. طوریکه دیده می‌شود برخی از ایشان در هنگام استدلال و یا استناد به سنت از تساهل و سهل‌انگاری کار گرفته، بدون تحقیق و تثبت، نه تنها به احادیث و روایات ضعیف، بلکه به روایات موضوعی استناد می‌نمایند.

برخی دیگر ایشان در اثر عدم فهم و یا درک سطحی و نادرست از سنت در مورد نصوص صحیح و صریح آن تاویلات خیلی‌ها فاسد و نادرست، غیر علمی، و غیر واقعی را مرتکب شده و می‌شوند.

و برخی دیگر ایشان با استناد به علل و یا توجیهاتی که از جال و تار عنکبوت هم ضعیف‌تر است، سنت و یا حدیث پیامبر ﷺ را متروک و غیر قابل عمل دانسته، سعی می‌ورزند تا به نحوی از انحا خود را از آن مستغنی و بی‌نیاز سازند.

شکی نیست که تمام این افراد و یا گروه‌ها با این عمل کردها و دیدگاه‌های نا آگاهانه، غیر عادلانه و غیر واقع‌بینانه، و یا خصمانه خویش در برابر سنت طوریکه گروه آخری مرتکب آن شده‌اند، سعی می‌نمایند تا با توجیهات و تاویلات غیر علمی و غیر منطقی، و یا با ارائه شکوک و شبهات که یک حرکت کاملاً عمدی و پلان شده است، ارتباط و

پیوند ناگسستنی مسلمانان را با منبع دوم اسلام و شریعت اسلامی که در بیشتر از ۴۰ مورد قرآن کریم خداوند متعال مسلمانان را به اطاعت و پیروی از آن امر فرموده است، تضعیف و یا قطع نمایند.

اینک بنده با توجه به اهمیت سنت و جایگاه رفیع آن در دین مقدس اسلام که به اتفاق تمام افراد امت اسلامی منبع دوم دین مقدس اسلام، و در عین حال مبین و شارح منبع اول به شمار می‌رود، و هم چنان با توجه به موقف و عمل کردهای منفی و در عین حال خطرناک برخی افراد و یا گروه‌های که خود را به این امت منسوب می‌دانند خواستم تا نکات چندی را پیرامون مسؤولیت‌های عمده و اساسی امت در برابر سنت ارائه نمایم، تا بدینوسیله برخی از مسؤولیت‌های دینی و ایمانی خود را که پند و نصیحت و توضیح حقایق است ایفا نموده، و از طرف دیگر توانسته باشم توجه مسلمانان با احساس، مخصوصا محصلین جوان را به برخی از مسؤولیت‌های ایمانی شان در قبال سنت، معطوف سازم.

زیرا هیچ نوع شک و تردیدی وجود ندارد که اگر امت اسلامی واقعا مسؤولیت‌های بزرگ خود را در قبال دین و منبع اولی و دومی آن که همانا قرآن کریم و سنت نبوی است درک نموده، و در تمام شئون زندگی شان مطابق هدایات و فرامین آن دو عمل نمایند، به لطف و یاری خداوند قادر و توانا می‌توانند در برابر هر نوع تهاجم ایستادگی نموده، عزت و حیثیت ازدست رفته شان را دوباره بدست بیاورند.

مسؤولیت‌های عمده امت در برابر سنت عبارت‌اند از:

۱ - تمحیص و تثبیت در مورد سنت.

۲ - فهم درست سنت.

۳ - التزام و عمل به سنت.

۴ - نشر و تبلیغ سنت.

اینک به توفیق و یاری خداوند متعال هریکی از مطالب چهار گانه فوق را با استفاده از مراجع معتبر مورد بحث و بررسی قرار می‌دهم.



(۱) تفحص و تثبت و یا دقت در برابر سنت

مسئولیت اول امت در برابر سنت همانا تفحص و تثبت است؛ زیرا این یک امر مسلم و حقیقت انکارناپذیر است که هر سخن و یا حدیثی را که به پیامبر ﷺ نسبت کرده شده و یا می‌شود - مخصوصا توسط افراد کم‌علم و یا غیر متخصص - لازم نیست که از صحت کامل برخوردار باشد زیرا ما در کتب مختلف تفسیر، حدیث، عقاید، فقه، سیرت و تاریخ... احادیث و روایات ضعیف و حتی موضوعی را نیز به کثرت سراغ داریم که هیچکس نمی‌تواند از موجودیت آنها انکار نماید.

پس با توجه به موجودیت احادیث ضعیف بلکه موضوعی ضروری است تا در مورد سنت و احادیث پیامبر ﷺ از تحقیق و تدقیق، تفحص و تثبت بیشتر کار گرفته شود تا حدیثی را که از پیامبر ﷺ روایت نشده، به آن جناب نسبت کرده نشود.

و ناگفته نباید گذاشت که با توجه به اخطاریکه پیامبر ﷺ در مورد جعل و وضع روایات دادند مسئولیت نامبرده بزرگتر بلکه چند برابر می‌گردد؛ زیرا پیامبر ﷺ در مورد کسیکه به پیامبر ﷺ دروغ می‌بندد، و یا بدون دقت و احتیاط سخن و روایتی را به ایشان نسبت می‌کند، فرمودند: «لا تکذبوا علی، فإنه من کذب علی فلیلج النار».

«کسیکه عمدا از قول خود بر من دروغ ببندد باید جای خود را در دوزخ آماده بسازد».^(۱)

و این و عید سخت و تکان دهنده مانع این شد که انس ﷺ در مورد روایت احادیث از احتیاط و دقت بیشتر کار بگیرد، چنانچه در حدیث متفق علیه دیگری این حدیث

۱ متفق علیه، اللؤلؤ والمرجان فیما اتفق علیه الشیخان، ص: ۵.

روایت شده است که می‌گوید: **إِنَّهُ لَيَمْنَعُنِي أَنْ أَحَدَّثَكُمْ حَدِيثًا كَثِيرًا أَنَّ النَّبِيَّ ﷺ قَالَ: «مَنْ تَعَمَّدَ عَلَيَّ كَذِبًا فَلَيْتَبَوَّأَ مَقْعَدَهُ مِنَ النَّارِ».**

«یگانه چیزی که مرا از کثرت روایت از رسول الله ﷺ منع کرد این بود که پیامبر ﷺ فرمودند: کسیکه قصداً بمن نسبت دروغ می‌دهد باید جایش را در دوزخ مهیا سازد».

اما قبل از بیان نوعیت و یا چگونگی مسؤولیت ما در این راستا باید گفت که علما مخصوصاً امامان برجسته حدیث در گذشته‌ها، مخصوصاً در قرون سه گانه و طلایی صدر اسلام با ایجاد و معرفی نمودن علم مصطلح الحدیث و علم تخریج احادیث مسؤولیت‌های خویش را در این زمینه به و جه احسن ادا نمودند.

علم مصطلح الحدیث که در اساس بنخاطر تمحیص و تفکیک حدیث ثابت از غیر ثابت، و یا شناخت حدیث مقبول از مردود وضع شده است، فشرده علوم متعددی است که در رأس آن‌ها علم علل حدیث، علم جرح و تعدیل قرار دارد. و علمای حدیث با وضع این علم و معرفی نمودن قواعد کلی آن توانستند احادیث پیامبر را از دس و تزویر، اشتباه و تغییر حفظ نمایند.

واقعا کسیکه با علم مصطلح الحدیث و کتب تالیف شده پیرامون آن آشنایی داشته باشد بخوبی می‌تواند این حقیقت را درک کند که علمای مصطلح در راستای تفکیک حدیث مقبول از مردود چه انداز تلاش‌های را به خرج دادند؟.

طوریکه می‌بینیم علمای حدیث در نتیجه بروز حوادث و ظهور فتنه‌های مختلف که سبب روی کار آمدن فرق و گروه‌های مختلف سیاسی و غیر سیاسی شد در پهلوی نقد و بررسی متن حدیث، تمام حالات و کوائف زندگی راویان حدیث را از ولادت تا وفات بطور علمی و دقیق ارزیابی نموده، بدون در نظر داشت روابط فردی و یا اجتماعی مراتب ایشان را از لحاظ جرح و تعدیل روشن ساختند.

امام مسلم در مقدمه صحیح مسلم نظر امام ابن سیرین را در مورد تاریخچه ظهور علم رجال و یا بررسی اسانید نقل کرده، که گفته است: «لم یكونوا یسألون عن الإسناد فلما وقعت الفتنة قالوا سمو لنا رجالکم فینظر إلی أهل السنة فیؤخذ حدیثهم وینظر إلی أهل البدع فلا یؤخذ حدیثهم»^(۱).

«مردم در گذشته بخاطر حاکم بودن فضای صداقت و امانت از وضعیت و چگونگی اسانید و روایات سوال نمی نمودند، اما زمانیکه فتنه بزرگ - که بقول مشهور منظور ابن سیرین از آن فتنه بشهادت رسیدن عثمان رضی الله عنه می باشد - رخ داد، مردم گفتند: اکنون از رجال روایات تان نام ببرید، پس دیده می شود اگر راوی از اهل سنت باشد روایتش می تواند قابل قبول باشد، اما اگر بر عکس راوی و یا روایت ذکر شده در اسناد از اهل بدعت باشند پس روایات ایشان قابل قبول نمی تواند باشد».

بار دیگر زمانیکه سنت و بعبارت دیگر احادیث و روایات پیامبر صلی الله علیه و آله کتب و معارف مختلف بکثرت ثبت و درج گردید، و اکثریت مؤلفین با عدم بیان نمودن مراجع و منابع آن احادیث، و نیز با عدم تعیین مرتبه و درجه آنها از لحاظ قبول و رد به وجیه تمحیص و تثبت خود عمل نکردند، اینجا هم علمای حدیث خود را مکلف دیدند تا مسئولیت و وجیه خویش را در این راستا بوسیله تخریج نمودن احادیث ذکر شده در آن کتابها، و بیان نمودن درجه و مرتبه آنها از لحاظ قبولیت و عدم قبولیت ادا نمایند، تا کسانی که از علم و آگاهی کامل برخوردار نیستند با استفاده از کتب تخریج از حقیقت آن احادیث آگاه شوند. و واقعیت هم همین طور شد که براساس عامل و انگیزه فوق فن تخریج بوجود آمد، و کتب زیادی در قرون مختلف زیر عنوان کتب تخریج حدیث تالیف و طبع گردید. این بود گوشه و یا پاره اندکی از تلاش های علمای سلف پیرامون تمحیص و یا تثبت در مورد حدیث و یا سنت.

۱- مقدمه صحیح مسلم، ص: ۱۱.

لازم به تذکر است که انشاء الله در ضمیمه این بحث عناوین کتب تالیف شده پیرامون علم اصول حدیث و یا مصطلح الحدیث، و کتب تالیف شده در تخریج احادیث، و کتب تالیف شده در جرح و تعدیل را به عنوان بحث تکمیلی خدمت خوانندگان ذکر خواهم کرد که از بررسی اسامی آن کتابها این حقیقت واضح خواهد گردید که علمای حدیث در گذشته براساس نیازمندیهای عصر مسؤولیت خود را اداء نمودند.

اما سوالیکه قابل طرح است این است که مسؤولیت مسلمانان مخصوصا علمای امت در عصر حاضر و کنونی چیست؟

مسؤولیت عمده علمای امت در عصر حاضر که عصر علم و تکنالوژی است در این راستا این است که به سطح جهان و با اشتراک و همکاری کشورهای مطرح اسلامی یک مؤسسه و یا نهاد متخصص علمی را تاسیس نمایند و در آن با گماشتن افراد متخصص در حدیث و علوم آن، تمام متون سنت از کتب و دواوین حدیث اعم از مطبوع و یا مخطوط ذخیره و جمع‌آوری گردد، و بعد از ذخیره و جمع‌آوری با بررسی و تحقیق پیرامون متون و اسانید آن، تمام احادیث را در دو بخش بزرگ زیر نامهای احادیث مقبول و پذیرفته شده، و احادیث ضعیف و یا مردود، چاپ و تکثیر نمایند.

و این کار در عصر حاضر که برخی از کشورهای اسلامی از امکانات نسبتا خوب مالی و تخنیکی برخوردار هستند، دشوار به نظر نمی‌رسد طوریکه برخی کشورها عملا در سطح خود گام‌های مقدماتی را در این راستا برداشتند، و این گام‌ها می‌تواند در این راستا حیثیت خشت اول را داشته باشد، اما به سطح جهانی با تاسف در این راستا کار عملی صورت نگرفته است.

(۲) بینش درست، و یا فهم و درک سالم از سنت

بعد از انجام دادن مسؤولیت، و یا ادای وجیبه اول که همانا تمحیص و تصفیة سنت از روایات ضعیف و موضوعی بود، مسؤولیت دیگری که در جای خود نیز از اهمیت فوق

العاده برخوردار بوده و عائد حال ما مسلمانان می‌گردد، همانا فهم درست و برداشت سالم از سنت می‌باشد.

در این شکی نیست یگانه کسانی که توانایی و ظرفیت، و یا استعداد انجام دادن این وجیبه را به نحو احسن و بهتر دارند، همانا علمای متبحر و ربانی این امت می‌باشند که از آن‌ها در یک حدیث «يحمل هذا العلم من خلف عدوله»^(۱).

«به نام عدول یعنی افراد خوب و شایسته تعبیر صورت گرفته، و ایشان را حاملین و افعی میراث نبوت که همانا علم مستنبط از قرآن و حدیث است، نه تنها معرفی کرده شده بلکه این و وظیفه بس مهم و خطر ناک را بدوش آن‌ها گذاشته شده است.»

اهمیت این مسئولیت در این است که تنها حاملین و افعی میراث نبوت، در نتیجه درک سالم خویش از سنت توانایی این را دارند تا تحریف افراط‌گرایان ادعای نادرست یاوه‌گویان و یاوه‌سرایان، و تاویل افراد جاهل و بی‌دانش را دور نمایند.

اکنون قبل از اینکه مسئولیت امت را در این راستا بازگو نمائیم بهتر است تا از برخی کوشش‌های علمای سلف در این مورد یاد آور شویم.

علمای سلف در گذشته‌های نه چندان دور بخاطر درک و فهم درست سنت، علوم و معارف مخصوصی را در حاشیه علوم حدیث ایجاد نمودند که با استفاده از آن علوم و معارف می‌توان معنای صحیح سنت و احادیث را درک کرد، و آن علوم و معارف عبارت‌اند از:

- ۱- علم غریب الحدیث.
- ۲- علم مختلف الحدیث.
- ۳- علم ناسخ الحدیث و منسوخه.
- ۴- علم اسباب ورود حدیث.

۱- سنن کبری از امام بیهقی، ص: ۲۰۹.

معرفی مختصر علم غریب الحدیث:

علم غریب الحدیث: علمی است که الفاظ و کلمات مشکل و یا غامض موجود در سنت و احادیث را توضیح و تشریح می‌نماید. و این علم در راستای فهم و درک درست سنت حیثیت خشت اولی را دارد، چنانچه از امام احمد بن حنبل رحمته در مورد یکی از الفاظ و یا کلمات غریب سوال کرده شد، او در جواب گفت: توضیح این کلمه را از علمای غریب الحدیث استفسار نمائید؛ زیرا من برای خودم این اجازه را نمیدهم تا در مورد سنت پیامبر صلی الله علیه و آله به اساس حدس و یا گمان حرف بزنم^(۱).

کتاب تالیف شده در تفسیر و توضیح غریب الحدیث خیلی‌ها زیاد می‌باشد که مشهورترین آن‌ها کتاب: «النهاية في غريب الحديث» است که توسط علامه ابن اثیر جزری متوفی ۶۰۶ هـ تالیف گردیده است.

معرفی مختصر علم مختلف الحدیث:

علم مختلف الحدیث، یکی از علوم و معارف متعلق به علوم حدیث است که توسط آن تعارض و عدم هم‌آهنگی احادیثی را که در ظاهر با یک دیگر متعارض پنداشته می‌شود، مرفوع ساخته بگونه توافقی و هم‌آهنگی و هم‌خوانی را در مابین آن‌ها قائم و برقرار میدارد.

هم‌چنان اگر انسان در فهم و درک معانی برخی احادیث و روایات، بامشکلی مواجه گردد، با استفاده و رجوع بطرف این علم می‌تواند مشکل موجود را مرفوع ساخته، معنا و مفهوم آن‌ها را به نحو خوب درک نماید، و به همین اساس این علم را به نام (مشکل الحدیث و یا مشکل الآثار) نیز شناخته شده است. و این علم هم‌مانند علم غریب الحدیث در حسن فهم سنت نقش بس مؤثری را ایفا می‌کند.

۱- منهج النقد فی علوم الحدیث از دکتور نور الدین عتر، ص: ۳۳۲.

و در اینجا از کتاب‌های معتبر و مشهور این علم، می‌توان از دو کتاب و منبع بسیار مهم و مشهور آن، که یکی (تأویل مختلف الحدیث) نام دارد، که توسط امام ابن قتیبه متوفی ۲۷۶هـ تالیف گردیده است، و کتاب دومی که (شرح مشکل الآثار) نام دارد، و توسط امام ابوجعفر طحاوی متوفی ۳۲۱هـ تالیف گردیده است، نام برد.

معرفی مختصر علم مختلف الحدیث

نسخ در حدیث عبارت است از ازاله و یا از بین بردن حکم یک حدیث با ورود حدیث دیگر متاخر از آن.

و شناخت ناسخ و منسوخ در حدیث نبوی در فهم و درک حدیث و احکام آن نقش بس مهمی را ایفا می‌نماید، چنانچه از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده که روزی وی از نزد یک شخص و اعظ گذشت، و گفت: آیا تو ناسخ را از منسوخ تفکیک کرده می‌توانی؟ و اعظ گفت: نخیر. علی رضی الله عنه فرمود: هلاک شدی و دیگران را نیز هلاک نمودی!^(۱)

با توجه به اهمیت ناسخ و منسوخ در فهم سنت برخی از علمای حدیث کتاب‌های را در این مورد تالیف نموده‌اند که از مشهورترین آن‌ها کتاب (الاعتبار فی الناسخ و المنسوخ من الآثار) است که توسط امام حازمی متوفی سال (۵۸۴هـ) تالیف شده است.

معرفی مختصر علم ناسخ الحدیث و منسوخه

نسخ در حدیث عبارت است از ازاله و یا از بین بردن حکم یک حدیث با ورود حدیث دیگر متاخر از آن.

و شناخت ناسخ و منسوخ در حدیث نبوی در فهم و درک حدیث و احکام آن نقش بس مهمی را ایفا می‌نماید، چنانچه از علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت شده که روزی وی از

۱- منهج النقد فی علوم الحدیث، ص: ۳۳۶.

نزد یک شخص و اعظ گذشت، و گفت: آیا تو ناسخ را از منسوخ تفکیک کرده می‌توانی؟ و اعظ گفت: نخیر. علی علیه السلام فرمود: هلاک شدی و دیگران را نیز هلاک نمودی!^(۱)

با توجه به اهمیت ناسخ و منسوخ در فهم سنت برخی از علمای حدیث کتاب‌های را در این مورد تالیف نموده‌اند که از مشهورترین آن‌ها کتاب (الاعتبار فی الناسخ والمنسوخ من الآثار) است که توسط امام حازمی متوفی سال (۵۸۴هـ) تالیف شده است.

معرفی مختصر علم اسباب ورود حدیث:

منظور از علم اسباب ورود حدیث، ورود احادیثی است که بیانگر و یا بازگوکننده جریان، و یا انگیزه ورود احادیث می‌باشد.

جایگاه این علم در چوکات علوم حدیث، مانند جایگاه علم اسباب نزول قرآن در تفسیر قرآن کریم است، طوریکه دانستن اسباب نزول آیات قرآن، در فهم و درک حقایق و معارف قرآنی نقش و تاثیر بس عمده دارد، همچنان دانستن و یا دسترسی به اسباب ورود حدیث در فهم سنت و مسایل نهفته در آن نقش بس بسزای دارد؛ زیرا فهم و درک سبب مستلزم فهم و درک مسبب می‌گردد.

با توجه به اهمیت این علم در فهم حدیث، علمای حدیث مانند بخش‌های قبلی در این بخش هم از خود کتب و تالیفاتی را به طور یادگار بجا گذاشته‌اند که مشهورترین آن‌ها کتاب: (البیان والتعریف فی أسباب ورود الحدیث الشریف) است که توسط ابن حمزه مشقی متوفی سال (۱۱۲۰هـ) تالیف گردیده است.

این بود برخی از مساعی علمای سابق و گذشته در فهم درست سنت، اما وجیه امت در عصر حاضر در این راستا چیست؟

به نظر برخی از علمای معاصر و نیز به نظر بنده وجیه و مسؤولیت علمای امت در ارتباط فهم و درک صحیح سنت در عصر حاضر این است که در ادامه، و یا در نتیجه

۱- منهج النقد فی علوم الحدیث، ص: ۳۳۶.

عمل بزرگ قبلی که همانا جمع آوری متون صحیح سنت و یا به عبارت دیگر تهیه (موسوعه متون صحیح) بود، مجموعه دیگری توسط متخصصین حدیث و فقه زیر عنوان (موسوعه فقه سنت) در چوکات یک نهاد جهانی تهیه و تالیف گردد.

بعبارت دیگر همان نهاد و یا مؤسسه جهانی که نقد و بررسی متون حدیث را به عهده میگیرد، تهیه یک (موسوعه فقه الحدیث) را نیز باید بعهده بگیرد تا یکجا این هردو پروژه علمی به دست رس مردم قرار گیرد.

اما بخاطر برآورده شدن این هدف بزرگ و یا موفقیت و پیروزی این پروژه رعایت نمودن نکات ذیل ضروری می باشد.

۱ - در قدم اول البته بعد از تاسیس یک نهاد جهانی که وابسته به تمام کشورهای اسلامی باشد، باید تمام امکانات بشری و مادی این پروژه آماده و مهیا گردد.

۲ - بعد از مهیا شدن تمام امکانات مادی و بشری آن باید از تمام اندوخته ها و یا ذخیره علمی بزرگ گذشتگان و یا علمای سلف، اعم از مطبوع و یا مخطوط استفاده صورت گیرد.

۳ - در قدم سوم باید از حقایق علمی عصر حاضر که در تفسیر جنبه های علمی سنت تاثیر مهمی دارد، استفاده اعظمی صورت گیرد.

۴ - با توجه به اینکه هدف از راه اندازی این پروژه نزدیک ساختن سنت صحیح به اذهان مردم است؛ لذا در تهیه این پروژه باید از زبان، میتود، ادبیات، و شیوه های مؤثر روز استفاده صورت گیرد.



(۳) ضرورت التزام به سنت، و عمل نمودن بر حکام آن

بعد از دقت و تفحص در سنت و فهم درست آن، مسئولیت مهم دیگری متوجه ما می گردد، و آن عبارت است از التزام، و یا تطبیق نمودن سنت.

منظور از التزام و یا لازم گردانیدن سنت همانا وجوب رجوع بطرف سنت و عمل نمودن بر احکام مستنبطه از آن است، طوریکه سنت اگر وجوب یک حکم را افاده کند پس ما باید عمل نمودن بر آن حکم را برخورد واجب بدانیم، و اگر سنت افاده استحباب و یا مستحب بودن یک حکم را کند پس ما باید عمل نمودن بر آن را نیز مستحب بدانیم، و اگر سنت افاده حرمت و یا حرام بودن یک عمل و یا چیز مشخص را نماید، پس ما از آن به صورت قطعی اجتناب و خود داری نماییم، و اگر سنت افاده کراهت یک امر را نماید پس ما اجتناب نمودن از آن را بهتر بدانیم، و اگر سنت مباح بودن یک امر را افاده کند پس ما باید خود را در فعل و ترک آن منخیر بدانیم.

موضوع و یا قضیه التزام بر سنت از جمله موضوعاتی است که در آیات متعدد قرآن کریم و هم چنان در سنت و احادیث نبوی بر آن تاکید صورت گرفته است، بلکه اگر چنین ادعا نماییم که این مساله از جمله مسایل ضروری دین به شمار می‌رود، هرگز مبالغه نخواهد بود.

بطور مثال از جمله آیاتی که بر این موضوع تاکید دارد، آیه‌های: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ﴾ (سوره نساء: ۵۹)، ﴿وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ﴾ (سوره آل عمران: ۱۳۲) است، که در هر دو آیت خداوند متعال مسلمانان را بر اطاعت از پیامبرش که همانا التزام بر سنت را افاده می‌کند، امر فرموده و در آیت دومی اطاعت و پیروی از سنت پیامبر را سبب نزول رحمت الهی قرار داده شده است.

علاوه بر این امر صریح، قرآن کریم در جای دیگری از مخالفت پیامبر بر حذر داشته فرموده است: ﴿فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ﴾ (النور: ۶۳).

«آنان که با فرمان او مخالفت می‌کنند، باید از این بترسند که بلایی در برابر عصیانی که می‌ورزند گریبانگیر شان گردد، یا اینکه عذاب دردناکی دچار شان شود».

و در آیه دیگری خداوند متعال با یاد کردن سوگند و یا قسم صفت ایمان را از کسانی که سنت پیامبر را بر خود حاکم نمی‌گردانند، و یا حکم سنت را نپذیرفته در برابر آن تسلیم نمی‌شوند نفی نموده، فرموده است: ﴿فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِيمَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا﴾ [النساء: ۶۵].

«به پروردگارت سوگند که آنان مؤمن به شمار نمی‌آیند تا تورا در اختلافات و در گیربهای خود به داوری و قضاوت نطلبند و سپس ملالی در دل خود از داوری تو نداشته و قضاوت تورا کاملاً تسلیم نمایند».

علاوه بر تاکیدات موجود در آیات فوق، پیامبر ﷺ نیز التزام و پیروی از سنتش را راه رسیدن به جنت قرار داده، فرموده است: «كل أمتي يدخلون الجنة إلا من أبى. قيل: ومن يأبى يا رسول الله؟ قال: من أطاعني دخل الجنة، ومن عصاني فقد أبى»^(۱).

«تمام افراد امت من داخل بهشت خواهند شد مگر کسی که خودش از رفتن به بهشت ابا ورزد. گفته شد: ای پیامبر! چه کسی از رفتن به بهشت ابا می‌ورزد؟ پیامبر ﷺ فرمود: کسی که از من اطاعت کند داخل بهشت خواهد شد، و کسی که نافرمانی کند از رفتن به بهشت ابا ورزیده است».

هم چنان پیامبر ﷺ در یک حدیث دیگر از ادعای برخی مردمیکه خود را از حدیث بی‌نیاز و مستغنی می‌پندارند، برحذر داشته فرموده است: «لا ألفين أحدكم متكئا على أريكته يأتيه الأمر من أمري مما أمرت به أو نهيت عنه فيقول: لا ندرى؛ ما وجدنا في كتاب الله اتبعناه»^(۲).

«چنین شخصی را نباید سراغ داشته باشم که بر تخت و بالین تکیه زده باشد و در برابر امری از او امر و یا نهی از نواهی من بایستد و بگوید: تنها از آنچه در کتاب خداوند آمده است پیروی می‌کنیم».

۱- صحیح البخاری، ص: ۱۵۲۵.

۲- سنن ابو داود، ص: ۵۰۳.

این بود برخی دلایل وجوب التزام و یا لازم دانستن سنت پیامبر ﷺ که از مسؤولیت‌های هر مسلمان به شمار می‌رود.

راستی اگر یک نظر کوتاه بر زندگی سلف و گذشتگان امت داشته باشیم این حقیقت را در می‌یابیم که آن‌ها در تطبیق نمودن سنت و احکام آن نسبت به همه پیشتاز و پیشگام بودند و ارائه مثال و یا شواهد در این مورد شاید موضوع را طولانی سازد اما یکی از مثال‌های زنده آن موقف عبد الله بن عمر است که به سنت پیامبر ﷺ تاسرحدی التزام داشت که حتی از پیامبر ﷺ در افعال جبلی‌اش نیز پیروی می‌نمود.

بعد از عصر صحابه اگر به عصر و زمان ائمه مجتهدین نظر بیافکنیم، همچنان در می‌یابیم که آن‌ها نیز به تعمیم سنت پیامبر ﷺ حرص و علاقه زاید الوصف داشتند، چنانچه از امام ابوحنیفه رحمته در این مورد نقل شده است که گفته بود: «إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي»^(۱).

«زمانیکه حدیث به صحت رسد همان مذهب و مسلک من است.»

و تفصیل بیشتر این عبارت بسیار جامع امام صاحب را بازم صاحب حاشیه رد المختار از شارح هدایه ابن الشحنه نقل نموده، که گفته است:

«إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ وَكَانَ عَلَى خِلَافِ الْمَذْهَبِ عَمَلٌ بِالْحَدِيثِ وَيَكُونُ ذَلِكَ مَذْهَبَهُ، وَلَا يَخْرُجُ

مَقْلُدُهُ عَنِ كَوْنِهِ حَنِيفًا بِالْعَمَلِ بِهِ، فَقَدْ صَحَّ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي.»

«زمانیکه حدیث به درجه صحت برسد و در ظاهر بر خلاف مذهب هم باشد، بر آن حدیث نه تنها عمل کرده می‌شود، بلکه همان حدیث حیثیت مذهب را پیدا می‌کند و مقلد بسبب عمل نمودن بر حدیث از مذهب خارج نمی‌گردد؛ زیرا از امام صاحب این قول ثابت شده، که فرموده است: «إِذَا صَحَّ الْحَدِيثُ فَهُوَ مَذْهَبِي»^(۲).

۱- رد المختار علی الدر المختار (۱۶۶/۲).

۲- رد المختار علی الدر المختار (۷۲ / ۲).

و از امام مالک نقل شده که گفته بود: «إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ أٌخْطِئُ وَأُصِيبُ فَأَنْظِرُوا فِي رَأْيِي فَإِنْ وَافَقَ الْكِتَابَ وَالسُّنَّةَ فَخُذُوهُ وَمَا لَمْ يُوَافِقْهُمَا فَاتْرُكُوهُ»^(۱).

«من چون بشر هستم اشتباه و صواب هر دو از من صادر می‌شود، پس شما در رای و نظر من دقت کنید و پس از دقت اگر آن نظر را موافق با قرآن و سنت یافتید آن را بپذیرید، ولی اگر آن را برخلاف قرآن و سنت یافتید آن را ترک کنید».

و از امام شافعی نقل شده که گفته بود: «أَجْمَعَ الْمُسْلِمُونَ عَلَى أَنْ مِنْ اسْتِثْنَاءٍ لَهُ سُنَّةُ عَنِ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ لَمْ يَجَلْ لَهُ أَنْ يَدْعَهَا لِقَوْلِ أَحَدٍ»^(۲).

«تمام مسلمانان بر این امر اتفاق نظر دارند که هرگاه سنتی از سنت‌های رسول الله ﷺ بر شخصی ظاهر و روشن گردد، پس برایش هیچگاه جایز و درست نیست که بخاطر رای آن شخص سنت پیامبر را ترک کند».

و از امام احمد رحمته الله نیز نقل شده که فرموده است: «مَنْ رَدَّ حَدِيثَ رَسُولِ اللَّهِ ﷺ فَهُوَ عَلَى شَفَا هَلَكَةٍ»^(۳).

«کسیکه حدیث پیامبر را رد نماید او در لبه هلاکت خواهد بود».

در آخر این بحث بطور خلاصه و فشرده باید گفت که تمام افراد امت باید مسئولیت خویش را در این راستا در برابر سنت طوریکه اسلاف راستین شان درک نموده بودند درک نموده و در جهت تعمیم احکام آن تمام از تمام امکانات خداداد شان استفاده نمایند؛ زیرا سعادت دنیا و آخرت تنها در پیروی سنت رسول اکرم ﷺ مضموم و نهفته می‌باشد.



۱- الشرح الكبير على مختصر خليل، ص: ۲۱۳.

۲- صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم، ص: ۲۶.

۳- صفة صلاة النبي صلى الله عليه وسلم، ص: ۲۹.

(۴) مسئولیت چهارم: تبلیغ سنت

مسئولیت عمده دیگر ما بعد از درک و فهم سنت و تعمیل احکام آن همانا تبلیغ و نشر سنت است.

پیامبر اکرم ﷺ طوری که امتش را به پیروی از سنتش دعوت نموده و از مخالفت از آن برحذر داشته است، هم چنان در عین وقت به تبلیغ و نشر آن به شیوه‌های مختلف تاکید فرموده است. طوری که در یک حدیث فرمودند:

«بلغوا عني ولو آية»^(۱).

«از من اگر یک آیت را هم می‌شنوید به دیگران ابلاغ نمایید.»

و در روز حجة الوداع با این فرموده شان: «فليبلغ الشاهد منكم الغائب»^(۲).

تمام حاضرین را امر فرمودند تا خطبه روز عرفات را که یک خطبه بسیار جامع و پر محتوی بود به، سمع کسانی که حضور نداشتند برسانند.

و در یک حدیث مشهور دیگری در مورد مبلغین سنت دعای خیر نموده، فرمودند:

«نضر الله امرءا سمع مقالتي فحفظها وعابها ثم أداها كما سمعها فرب مبلغ أوعى من سامع»^(۳).

«خداوند خوش و تازه نگهدارد شخصی که حرف و سخن مرا شنید و سپس آن را حفظ نمود سپس طوری که شنیده بود به دیگران ابلاغ نمود؛ چون هستند کسانی که نسبت به مبلغین فقیه و یا داناتر اند.»

به تاسی از این ارشادات و توصیه‌های مکرر پیامبر ﷺ صحابه و تابعین و تبع تابعین در جهت حفظ و تبلیغ حدیث پیامبر ﷺ از تمام امکانات در دسته شان نه تنها استفاده نمودند، بلکه فرصت‌های بیشتر عمر خود را در این راه وقف نمودند.

۱- صحیح البخاری، ص: ۷۱۲.

۲- صحیح البخاری، ص: ۲۸.

۳- سنن ابوداود، ص: ۴۰۴.

بعد از عصر صحابه و تابعین سایر اسلاف و گذشتگان ما که در راس آن‌ها محدثین و ائمه دین قرار دارند با تالیف و جمع‌آوری احادیث، درس و تدریس آن، و هم چنان با تاسیس و ایجاد حلقات علمی که بعدها به نام (دار الحدیث) و یا مراکز حدیث شهرت یافته بود، توانستند طبق این وعده الهی:

﴿ إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ ﴿۹﴾ [الحجر: ۹].

«بی تردید ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم و قطعاً نگهبان آن خواهیم بود.»
و این سلسه و پروسه مبارک نشر و تبلیغ حدیث - لله الحمد - قرن‌ها ادامه داشت و در تمام کشورهای اسلامی افرادی بنام شیوخ حدیث عرض اندام، و مراکزی بنام دار الحدیث و یا کلیه الحدیث که یکی از پوهنخی‌ها مشهور پوهنتون اسلامی مدینه منوره را تشکیل می‌دهد، ایجاد و تاسیس گردید.

اما جای تاسف این است که در کشور ما افغانستان در پهلوی سایر خالها این خلا نیز وجود دارد که بخاطر درس و تدریس حدیث و علوم آن نه شخصیت مطرح و باکفایت وجود دارد و نه کدام نهاد و یا مرکز تخصصی و علمی.



ضمایم کتاب

پیرامون کتب تالیف شده در بخش‌های مختلف علوم حدیث. اکنون در ضمیمه فصل سوم طوریکه قبلاً وعده نموده بودم می‌خواهم عناوین و اسامی کتب تالیف شده پیرامون علم اصول حدیث و یا مصطلح الحدیث، و کتب تالیف شده در تخریح احادیث، و کتب تالیف شده در جرح و تعدیل را خدمت خوانندگان این رساله تقدیم نمایم تا این حقیقت به همگان معلوم گردد که علمای حدیث به نحو بسیار خوب توانستند مسؤولیت‌های خویش را در قبال سنت ادا نمایند.

بخش اول: کتب تالیف شده در فن مصطلح حدیث

هم زمان با آغاز نهضت تالیف و تدوین در بخش‌های مختلف متون دینی مخصوصاً علم حدیث علماء قواعد و اساسات اصول و یا مصطلح حدیث را در ابواب مختلف تالیفات خود گنجانیده‌اند که از آن جمله می‌توان از دو کتاب معتبر امام شافعی رح که بنامهای (الرسالة) و (الأم) تالیف نموده است، و تواریخ سه گانه امام بخاری رحمته که عبارت‌اند از: (التاریخ الکبیر)، (التاریخ الصغیر)، (التاریخ الأوسط)، و کتاب (العلل) امام ترمذی که در آخر سنن و یا جامعش موجود می‌باشد، و (مقدمه صحیح مسلم) از امام مسلم، و هم چنان کتاب (التمییز) وی می‌توان نام برد.

اما اولین کسیکه بطور مستقل و جداگانه در این فن به تالیف کتاب آغاز نموده است امام رامهرمزی (متوفی ۳۶۰هـ) می‌باشد، که در نیمه دوم قرن چهارم هجری کتابی را زیر عنوان:

۱ - (المحدث الفاصل بین الراعی والواعی) تالیف نموده، و دران اکثر مسایل اصول

حدیث را گنجانیده است.

کتاب‌های دیگری که به تعقیب آن نوشته شده است عبارت‌اند از:

- ۲ - معرفة علوم الحديث از أبو عبد الله حاکم نیشابوری (متوفی ۴۰۵هـ) صاحب المستدرک علی الصحیحین.
- موصوف در این کتاب تنها ۵۲ نوع از انواع علوم حدیث را گنجانیده است و حافظ ابن حجر در مورد آن این ایراد را هم گرفته است که از ترتیب و تنظیم خوب هم بر خوردار نمی‌باشد.
- ۳ - المستخرج علی معرفة علوم الحديث از ابو نعیم اصفهانی (متوفی ۴۳۰هـ) صاحب کتاب حلیة الأولیاء.
- ۴ - الکفایة فی علم الروایة.
- ۵ - الجامع لأدب الراوی و آداب السامع از خطیب بغدادی (متوفی ۴۶۳هـ)
- خطیب بغدادی بر علاوه این دو کتاب مشهور کتاب‌های دیگری را پیرامون انواع مختلف علوم حدیث به یادگار گذشته است، و در نتیجه این نقش خطیب بغدادی حافظ ابوبکر بن نقطه گفته است: «کل من أنصف علم أن المحدثین بعد الخطیب عیال علی کتبه».
- «کسیکه انصاف داشته باشد این حقیقت را یقیناً درک می‌کند که محدثینیکه بعد از خطیب بغدادی آمدند همه... بودند».
- ۶ - الإلماع فی ضبط الروایة و تقييد السماع از قاضی عیاض یحصبی (متوفی ۵۴۴هـ).
- ۷ - ما لایسع المحدث جهله از ابو حفص میانشی.
- ۸ - علوم الحديث و یا مقدمة ابن الصلاح از حافظ ابن الصلاح شهرزوری (متوفی ۶۴۳هـ).
- موصوف بعد از اینکه تدریس حدیث را در مدرسه اشرفیه دمشق رسماً بدوش گرفت با استفاده از کتاب‌های سابقه و یا در روشنی آن تمام مسایل و مباحث مربوط به علوم حدیث را جمع‌آوری نموده، و کتاب جامع و در عین حال مهمی را زیر عنوان: (علوم الحديث) تالیف نمود.

کار علمای که بعد از حافظ ابن الصلاح در این عرصه قدم نهادند تنها ترتیب و تنظیم، شرح و اختصار، تعلیق و تنکیت و یا در آوردن آن در قالب نظم بوده است. آثار و کتاب‌های را که علماء در تلخیص و یا اختصار کتاب حافظ ابن الصلاح به رشته تحریر در آوردند و در عین حال از کتاب‌های عمده اصول حدیث به شمار می‌روند، عبارت‌اند از:

- ۹ - إرشاد طلاب الحقایق إلی معرفة سنن خیر الخلائق از امام نووی (متوفی ۶۷۶هـ).
 - ۱۰ - التقریب و التیسیر فی معرفة سنن البشیر النذیر از امام فوق الذکر.
 - ۱۱ - تدریب الراوی فی شرح تقریب النوای از امام جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱هـ).
- این کتاب طوریکه از نامش پیدا است شرحی است معتبر و جامع بر کتاب التقریب و التیسیر امام نووی.
- ۱۲ - المنهل الروی فی مختصر علوم الحدیث النبوی از بدر الدین ابن جماعه (متوفی ۷۳۳هـ).
 - ۱۳ - الخلاصة فی أصول الحدیث از علامه حسین بن عبد الله طیبی (متوفی ۷۴۳هـ).
 - ۱۴ - اختصار علوم الحدیث از حافظ ابن کثیر دمشقی (متوفی ۷۷۴هـ) که علامه احمد شاکر آن زیر عنوان (الباعث الحثیث) شرح نموده است.
 - ۱۵ - المقنع فی علوم الحدیث از علامه سراج الدین مشهور به ابن ملقن (متوفی ۸۰۴هـ).
 - ۱۶ - محاسن الاصطلاح فی تضمین کتاب ابن الصلاح از شیخ الاسلام أبو حفص عمر بن رسلان البلقینی (متوفی ۸۰۵هـ).
 - ۱۷ - ألفیة الحدیث از علامه زین الدین عراقی (متوفی ۸۰۶هـ).

این کتاب یکی از منظومه‌های مشهور مقدمه ابن الصلاح به شمار می‌رود که توسط خود علامه عراقی و برخی علمای دیگر شرح شده است.

۱۸ - التبصرة والتذكرة از علامه عراقی.

۱۹ - فتح الباقي على ألفية العراقي تأليف شيخ زكريا انصاري (متوفى ۹۲۵هـ).

۲۰ - التقييد و الإيضاح لما أطلق و أغلق من كتاب ابن الصلاح از حافظ عراقی.

علاوه بر علمایی که از عناوین تالیفات ایشان نام برده شد حافظ ابن حجر عسقلانی نیز بنوبه خود کتاب‌های ارزنده را در این راستا تالیف نموده است که عناوین آن‌ها قرار ذیل‌اند:

۲۱ - النکت علی کتاب ابن الصلاح.

۲۲ - نخبة الفكر في مصطلح أهل الأثر.

۲۳ - نزهة النظر شرح نخبة الفكر نام برد.

این بود عمده‌ترین کتاب‌های که در رشته اصول حدیث از قرن چهارم تا قرن دهم هجری تالیف شده است.

بخش دوم: کتب تالیف شده در فن تخریج حدیث

علمای حدیث طوریکه در قرون متمادی بنخاطر شناخت و یا تفکیک احادیث مقبول از غیر مقبول قواعدی را در چوکات علم مصطلح و کتاب‌های متعدد آن وضع و تالیف نموده‌اند، هم چنان یکتعداد بزرگ آن‌ها با استفاده از آن همان قواعد و اصول پذیرفته شده در صحنه عمل و تطبیق، احادیث کتب معینی را با بیان نمودن مآخذ، و مشخص ساختن احکام آن‌ها از لحاظ اینکه صحیح‌اند و یا حسن و ضعیف، تخریج نموده‌اند.

اینک بنده طبق وعده قبلی ام سعی می‌نمایم تا عناوین برخی از کتاب‌های تالیف شده در تخریج احادیث را خدمت علاقمندان رشته معارف حدیث تقدیم نمایم.

- ۱ - تخريج أحاديث (المهذب لأبي إسحق الشيرازي) از محمد بن موسى الحازمي (متوفى ۵۸۴هـ).
- ۲ - تخريج احاديث (المختصر الكبير ابن حاجب) از محمد بن أحمد بن عبد الهادي المقدسي (متوفى ۷۴۴هـ).
- ۳ - نصب الراية لأحاديث الهداية از عبد الله بن يوسف الزيلعي (متوفى ۷۶۲هـ).
- ۴ - تخريج أحاديث كشاف زمخشرى از زيلعى.
- ۵ - البدر المنير فى تخريج الأحاديث و الآثار الواقعة فى الشرح الكبير للرافعى از علامه ابن الملقن (متوفى ۸۰۴هـ).
- ۶ - المغنى عن حمل الأسفار فى الأسفار فى تخريج ما فى الإحياء من الأخبار از عبد الرحيم بن حسين عراقى (متوفى ۸۰۶هـ).
- ۷ - التلخيص الحبير فى تخريج أحاديث شرح الوجيز الكبير، للرافعى از حافظ احمد بن على بن حجر العسقلانى (متوفى ۸۵۲هـ).
- ۸ - الدراية فى تخريج أحاديث الهداية از ابن حجر عسقلانى.
- ۹ - تحفة الراوي فى تخريج أحاديث البيضاوى از عبد الرؤف بن على المناوى (متوفى ۱۰۳۱).
- ۱۰ - تخريج الأحاديث الضعاف من سنن الدارقطنى از أبو محمد عبدالله بن يحيى الغسائنى (ت ۶۸۲هـ).
- ۱۱ - الإسعاف فى تخريج الأحاديث و الآثار الواردة فى تفسير الكشاف از بدر الدين محمد بن إبراهيم بن سعد الله بن جماعة (۷۶۷هـ).
- ۱۲ - تحفة الطالب بمعرفة أحاديث مختصر ابن الحاجب از عماد الدين أبو الفداء إسماعيل بن عمر بن كثير (۷۷۴هـ).

- ١٣ - العناية بتخريج أحاديث الهداية از محیی الدین أبو محمد عبدالقادر بن محمد القرشی (ت ٧٧٥هـ).
- ١٤ - الذهب الإبریز فی تخريج أحاديث فتح العزیز و هو الشرح الكبير للرافعی. از بدر الدین أبو عبدالله محمد بن عبدالله بن بهادر الزرکشی (ت ٧٩٤هـ).
- ١٥ - المعبر فی تخريج أحاديث المنهاج و المختصر للزرکشی أيضاً. و المنهاج هو منهاج الأصول للبيضاوی، و المختصر هو مختصر منتهی السؤل و الأمل لعثمان بن عمر بن الحاجب (ت ٦٤٦هـ).
- ١٦ - المناهج و التناقيح فی تخريج أحاديث المصاييح از صدر الدین محمد بن إبراهيم المناوی (ت ٨٠٣هـ).
- ١٧ - تذكرة المحتاج إلى أحاديث المنهاج.
- ١٨ - تخريج أحاديث (المهذب) لأبي إسحاق الشيرازی.
- ١٩ - تذكرة الأخيار بما فی الوسيط من الأخبار هر سه از سراج الدین عمر بن علی بن الملقن (ت ٨٠٤هـ).
- ٢٠ - تخريج الأحاديث و الآثار الواقعة فی منهاج البيضاوي.
- ٢١ - تخريج أحاديث مختصر المنهاج فی أصول الفقه.
- ٢٢ - تخريج أحاديث الإحياء للغزالی
- ٢٣ - المغنی عن حمل الأسفار فی الأسفار مختصر الذی قبله. هر سه از زین الدین أبو الفضل العراقي عبدالرحيم بن الحسين (ت ٨٠٦هـ)
- ٢٤ - الكاف الشاف تخريج أحاديث الكشاف.
- ٢٥ - نتائج الأفكار بتخريج أحاديث الأذکار.
- ٢٦ - تخريج أحاديث المختصر الكبير لابن الحاجب هر سه از حافظ أبو الفضل أحمد بن علی المعروف بابن حجر العسقلانی.
- ٢٧ - تخريج أحاديث تفسير أبي الليث السمرقندی.

- ٢٨ - التعريف و الإخبار بتخريج أحاديث «الاختيار» شرح «المختار»
- ٢٩ - تحفة الأحياء بما فات من أحاديث الأحياء.
- ٣٠ - تخريج أحاديث عوارف المعارف للسهروردي.
- ٣١ - تخريج أحاديث كنز الوصول إلى معرفة الأصول للبردوي على بن محمد ابن حسين (ت ٤٨٢هـ).
- ٣٢ - منية الأملعي فيما فات من تخريج أحاديث الزيلعي. هر شش اينها از زين الدين قاسم بن قُطلوُبغا الجمالي (ت ٨٧٩ هـ).
- ٣٣ - تجريد العناية في تخريج أحاديث الكفاية لأبي حامد محمد بن إبراهيم السهيلي في الفقه الشافعي.
- ٣٤ - تخريج أحاديث شرح العقائد النسفية.
- ٣٥ - تخريج أحاديث شرح المواقف في الكلام.
- ٣٦ - تخريج أحاديث الموطأ.
- ٣٧ - العناية في معرفة أحاديث الهداية.
- ٣٨ - فلق الصباح في تخريج أحاديث الصحاح للجوهري في اللغة.
- ٣٩ - مناهل الصفا في تخريج أحاديث الشفا و الشفا في حقوق المصطفى للقاضي عياض.
- ٤٠ - نشر العبير في تخريج أحاديث الشرح الكبير للرافعي، همه اينها از تأليفات امام جلال الدين السيوطي است (ت ٩١١هـ).
- ٤١ - إشراف الأبصار في تخريج أحاديث نور الأنوار از أحمد بن أبي سعيد بن عبدالله شيخ جيون (ت ١١٣٠هـ).
- ٤٢ - الفتح السماوي بتخريج أحاديث القاضي البيضاوي از امام عبدالرؤوف المناوي (ت ١٠٣١هـ).
- ٤٣ - تخريج الأحاديث و الآثار التي وردت في شرح الكافية في النحو.

- ۴۴ - تخريج الأحاديث الواقعة في التحفة الوردية هردو از از عبدالقادر البغدادي (ت ۱۰۹۳هـ).
- ۴۵ - تحفة الراوي في تخريج أحاديث البيضاوي.
- ۴۶ - التنكيث و الإفادة في تخريج أحاديث سفر السعادة.
- ۴۷ - الابتهاج بتخريج أحاديث المنهاج - و هو منهاج الوصول إلى علم الأصول لعبدالله بن عمرالبيضاوي (ت ۶۸۵هـ). از شمس الدين أبو عبدالله محمد بن حسن، ابن همام (ت ۱۱۷۵هـ).
- ۴۸ - كشف النقاب عما يقوله الترمذي في الباب از دكتور محمد حبيب الله مختار.
- ۴۹ - تخريج أحاديث فضائل الشام و دمشق للإمام الربيعي (ت ۴۴۴هـ).
- ۵۰ - إرواء الغليل في تخريج أحاديث منار السبيل.
- ۵۱ - ظلال الجنة في تخريج كتاب السنة.
- ۵۲ - تمام المنة في التعليق على كتاب فقه السنة.
- ۵۳ - غاية المرام في تخريج أحاديث الحلال و الحرام از شيخ محمد ناصر الدين الألباني (ت ۱۴۲۲هـ).
- ۵۴ - التكميل لما فات تخريجه من إرواء الغليل ازشيخ صالح بن عبدالعزيز بن محمد آل الشيخ.
- ۵۵ - تخريج الأحاديث النبوية في مدونة الإمام مالك ابن أنس از د. الطاهر محمد الدرديري.
- ۵۶ - طريق الرشدي إلى تخريج أحاديث بداية ابن رشد از شيخ عبداللطيف آل عبداللطيف.
- این بود عناوین یک تعداد کتاب‌های که علماء در فن تخريج احاديث كتب تفسير حديث، فقه و لغت تالیف نموده بودند.

بخش سوم: کتاب‌های تالیف شده در فن جرح و تعدیل

با توجه به اهمیت معرفت رجال و یا علم جرح و تعدیل در شناخت حدیث صحیح و غیر صحیح نقاد و امامان حدیث همزمان با آغاز نهضت علمی تدوین متون حدیث در چوکات جوامع، صحاح، سنن و مسانید کتاب‌های را پیرامون جرح و تعدیل و یا شناخت مفصل و همه جانبه احوال روات تالیف و تصنیف نموده‌اند که در این ضمیمه و در ضمن بخش‌های متعدد تنها از عمده‌ترین کتب تالیف و طبع شده در جرح و تعدیل نام می‌برم.

الف: کتب و آثار تالیف و طبع شده پیرامون شناخت ثقات:

۱. معرفة الثقات از امام ابوالحسن عجلی (متوفی ۲۶۱هـ).
۲. کتاب الثقات.
۳. کتاب مشاهیر علماء الأمصار هر دو از امام ابن حبان بستی (متوفی ۳۵۴هـ).
۴. تاریخ أسماء الثقات از امام ابوحفص عمر بن شاهین (متوفی ۳۸۵هـ).

ب: کتب و آثار تالیف و طبع شده پیرامون ضعفاء:

۱. الضعفاء الصغیر، از امام بخاری / (متوفی ۲۶۱هـ).
۲. أحوال الرجال از أبو اسحاق ابراهیم بن یعقوب جوزجانی (متوفی ۲۵۹هـ).
۳. کتاب الضعفاء از امام أبوزرعة رازی (متوفی).
۴. الضعفاء و المتروکون از امام نسائی (متوفی ۳۰۳هـ).
۵. الضعفاء الصغیر از امام عقیلی.
۶. کتاب المجروحین از امام ابن حبان بستی (متوفی ۳۵۴هـ).
۷. الکامل فی ضعفاء الرجال از ابو احمد عبد الله بن عدی جرجانی (متوفی ۳۶۵هـ).

۸. کتاب تاریخ أسماء الضعفاء و الكذابين از امام ابو حفص عمر بن شاهین (متوفی ۳۸۵هـ).

۹. الضعفاء و المتروکون از امام دارقطنی (متوفی ۳۸۵هـ).

۱۰. المدخل إلى الصحيح از امام ابو عبد الله الحاکم صاحب مستدرک (متوفی ۴۰۵هـ).

ج: کتب جامعه در مابین ثقات و ضعفاء:

۱. الطبقات الكبرى از امام ابن سعد (متوفی ۲۳۴هـ).

۲. التاريخ از امام ابن معین (متوفی ۲۳۳هـ).

۳. التاريخ الكبير.

۴. التاريخ الصغير هر دو از امام بخاری / (متوفی ۲۶۱هـ).

۵. التاريخ از امام ابو زرعة دمشقی (متوفی ۲۸۱هـ).

۶. الجرح و التعديل از ابن ابی حاتم رازی (متوفی ۳۲۷هـ).

بخش چهارم: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال و یا راویان کتابهای مخصوص

الف: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال موطأ:

۱. إسعاف المبطلأ برجال الموطأ از امام جلال الدین سیوطی (متوفی ۹۱۱هـ).

ب: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال صحیح بخاری و مسلم، و یا یکی از آنها.

۱. ذکر أسماء التابعین و من بعدهم ممن صحت روايته عن الثقات عند البخاری و مسلم از امام دارقطنی (متوفی ۳۸۵هـ).

۲. رجال صحیح البخاری از ابونصر کلاباذی (ت ۳۹۸هـ).
۳. تسمیة من أخرجهم البخاری و مسلم، و ما انفرد به كل واحد منهما، از ابو عبد الله حاکم (متوفی ۴۰۵هـ).
۴. رجال صحیح مسلم از احمد بن علی بن منجویه اصبهانی (متوفی ۴۲۸هـ).
۵. التعديل و التجريح لمن خرج له البخاری فی الجامع الصحیح از ابو الولید سلیمان بن خلف باجی (متوفی ۴۷۴هـ).
۶. البيان و التوضیح لمن أخرج له فی الصحیح و مس بضر ب من التجريح از أبو زرعة عراقی (متوفی ۸۲۶هـ).
۷. کتاب الجمع بین کتابی أبی نصر الکلاباذی و أبی بکر الأصبهانی فی رجال البخاری و مسلم از ابن طاهر مقدسی معروف به ابن قیسرانی (متوفی).

ج: کتب تالیف شده پیرامون شیوخ ائمة سته:

۱. اسامی مشایخ الإمام البخاری، از محمد بن إسحاق بن مندة أصبهانی (متوفی ۳۹۵هـ).
۲. المعجم المشتمل علی ذکر أسماء شیوخ الأئمة النبیل، از حافظ ابن عساکر (متوفی ۵۷۱هـ).

د: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال کتب سته و مولفات دیگر ایشان:

۱. تهذیب الکمال فی أسماء الرجال از حافظ جمال الدین یوسف بن عبد الرحمن مزی (متوفی ۷۴۲هـ).
۲. الکاشف فی معرفة من له رواية فی الكتب الستة.

۳. المجرد فی أسماء رجال ابن ماجه، هردو از امام ذهبی (متوفی ۷۴۸هـ).
۴. کتاب ذیل الکاشف از ابو زرعه عراقی.
۵. تهذیب التهذیب.
۶. تقریب التهذیب، هردو از حافظ ابن حجر عسقلانی (متوفی ۸۵۲هـ).

هـ: کتب تالیف و طبع شده پیرامون رجال مسانید اربعه:

۱. الإكمال فی ذکر من له رواية فی مسند الإمام أحمد من الرجال، از ابو المحاسن الحسینی (متوفی ۷۶۵هـ).
۲. تعجیل المنفعة بزوائد رجال الأئمة الأربعة، از حافظ ابن حجر عسقلانی.

و: کتب تالیف شده پیرامون شناخت مدلسین:

۱. تعریف اهل التقدیس بمراتب الموصوفین بالتدلیس، از حافظ ابن حجر.
 ۲. قصیده الحافظ أبی محمود المقدسی (متوفی ۷۶۵هـ).
 ۳. منظومة الحافظ الذهبي فی المدلسین.
 ۴. التبیین بأسماء المدلسین از برهان الدین حلبی.
 ۵. أسماء المدلسین از امام سیوطی.
- در آخر این ضمیمه که تعداد مجموعی کتب و ارده دران به ۱۲۲ کتاب بالغ می‌گردد این حقیقت بر همگان روشن و واضح می‌گردد که سلف صالحین مخصوصا علمای حدیث طوریکه در جمع آوری متون احادیث کوشش‌های بسیار زیاد و مؤثر نمودند، هم چنان در نقد و تمحیص احادیث و نیز تخریج احادیث و ارده در کتب مختلف بخاطر تفکیک احادیث مقبول از غیر مقبول کوشش‌های وسیعی را بنخرچ دادند، و شکی نیست

این همه کوشش‌ها بیانگر این وعده الهی است که فرموده است:

﴿إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ﴾

پایان

نتایج

آنچه را که زیر عنوان نتایج باید گنجانید امور ذیل اند:

- سنت در لغت معنای راه و روش، طریقه و یا شیوه را خوب باشد یا بد افاده می‌کند. و در اصطلاح عبارت است از هر قول، فعل، اقرار و یا تائیدی که از پیامبر ﷺ صادر شده باشد.
- سنت پیامبر اکرم ﷺ از لحاظ اینکه دومین دستور فکری و عملی مسلمانان، و یا به عبارت دیگر دومین مصدر شریعت اسلامی، و در عین زمان مبین و مفسر مصدر اول قرآن کریم بوده در دین اسلام از اهمیت و جایگاه و یژه برخوردار می‌باشد.
- فهم و تفسیر قرآن، و نیز عمل نمودن به احکام آن بدون در نظر داشت سنت پیامبر ﷺ امری است غیر ممکن و غیر عملی.
- سنت و یا حدیث هم مانند قرآن وحی الهی است.
- سنت هم مانند قرآن واجب الاتباع بوده و یک مصدر عمده و اساسی برای ثبوت احکام شرعی به شمار می‌رود.
- سنت و یا حدیث نبوی یکی از مصادر حل و فصل نزاع و اختلافات ذات البینی مسلمانان به شمار می‌رود.
- سنت و یا حدیث پیامبر ﷺ بر علاوه اینکه در ذات خود دومین مرجع احکام شرعی است از این جهت نیز که وسیله تبیین و توضیح مرجع اول احکام اسلامی (قرآن کریم) است حایز اهمیت فوق العاده می‌باشد.
- خداوند متعال در آیات متعدد کسانی را که از سنت پیامبر ﷺ مخالفت می‌ورزند مورد تهدید، زجر و عتاب شدید قرار داده است.

- اطاعت و پیروی از پیامبر، و عمل نمودن به سنت آن یکی از مقتضیات عمده ایمان داشتن به رسالت وی است.
- بدون برگشت به طرف سنت اقامه دین، و عمل نمودن به آن امری است غیر ممکن.
- تقصیر و کوتاهی برخی از افراد و یا گروه‌های منسوب به این امت را در مورد سنت و احادیث نبوی در سه مورد می‌توان خلاصه کرد.
 - الف: استناد بر روایات ضعیف و یا موضوعی.
 - ب: تاویل و یا تفسیر نادرست برخی از احادیث و روایات.
 - ج: انکار و یا نادیده گرفتن سنت که خطرش نسبت به خطر دو مورد قبلی جدی تر می‌باشد.
- تشخیص و بررسی مسئولیت‌های امت پیرامون سنت که در چهار نقطه ذیل خلاصه می‌گردد:
 - الف: تدقیق و تثبت پیرامون سنت.
 - ب: فهم و برداشت درست سنت.
 - ج: التزام به سنت.
 - د: تبلیغ سنت.
- تاسف بر وضع علمی کشور که در رشته حدیث و یا حدیث شناسی یک شخصیت علمی مطرح و پذیرفته شده و یا یک مرکز و یا نهاد علمی.
- یک ضمیمه جامع پیرامون کتب تالیف شده در اصول حدیث، تخریج احادیث و ارده در کتاب‌های مختلف، جرح و تعدیل روایات که تعداد مجموعی آن‌ها به ۱۲۲ کتاب بالغ می‌گردد.



مراجع كتاب

- 1- قرآن كريم.
- 2- الإحكام في أصول الأحكام از ابن حزم اندلسي.
- 3- اصل الاعتقاد از دكتور عمر سليمان الاشقر.
- 4- أصول الفقه از محمد أبوزهرة.
- 5- إعلام الموقعين از امام ابن قيم جوزي.
- 6- تدريب الراوي از علامه سيوطي.
- 7- التقييد و الإيضاح از حافظ عراقي.
- 8- جامع ترمذي.
- 9- رد المحتار علي الدر المختار از ابن عابدين شامي.
- 10- السنة، حجيتها و مكانتها في الإسلام از دكتور محمد لقمان سلفي.
- 11- السنن الكبرى از امام بيهقي.
- 12- سنن ابو داود.
- 13- سنن ابن ماجه.
- 14- الشرح الكبير علي مختصر خليل از يوسف دردير.
- 15- شرح نخبة الفكر از حافظ ابن حجر عسقلاني.
- 16- صحيح بخاري.
- 17- صحيح مسلم.
- 18- صفة صلاة النبي از علامه ناصر الدين ألباني.

- ۱۹- فتح الباری از حافظ ابن حجر عسقلانی.
- ۲۰- لغت نامه دهخدا از علی اکبر دهخدا.
- ۲۱- اللؤلؤ و المرجان از محمد فؤاد عبد الباقي.
- ۲۲- مختصر الصواعق المرسله از امام ابن قیم جوزی.
- ۲۳- مختصر علوم الحديث از حافظ ابن کثیر.
- ۲۴- المسودة في أصول الفقه از آل ابن تیمیة.
- ۲۵- مفتاح الجنة في الاحتجاج بالسنة از امام سیوطی.
- ۲۶- منهج النقد في علوم الحديث از دکتور نور الدین عتر.
- ۲۷- المؤطا از امام مالک بن انس.
- ۲۸- النهاية في غريب الحديث از علامه ابن اثیر جزری.

